یا لثارات الحسین (ع)

چهارشنبه
۱۵ مهر ۱۴۰۵
۲۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸
۷ اکتبر ۲۰۲۶

سال دوم
قیمت: ۱۰هزارتومان

شماره
۶۵۷
www.Agaah.ir

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

آگاه
آگاه باشید؛ تا قله راهی نیست!



روایتی از فروپاشی هیمنه پوشالی رژیم صهیونیستی در سالروز «طوفان الاقصی»

هراس در تل‌آویو

۴

یمن، تنگه را محکم گرفته است

باب‌المندب؛ مقتل توهمات ائتلاف سعودی-غربی

۳

سخنگوی وزارت دفاع در نشست خبری به تشریح برنامه‌های مهرداد اخلاقی پرداخت

تداوم راه خودکفایی دفاعی

۲

دبیر علمی همایش «فرهنگ، رسانه و تحولات نسلی در ایران»:

هر نسل، محصول زمانه خود است

۵



روایتی از پرچمی که از نخستین روزهای جنگ در چهارراه ولیعصر دست‌به‌دست می‌شود

این پرچم همیشه بالاست

۷

ایران؛ قدرتی که با «عدد» تمام نمی‌شود



هادی رضائی
دبیر گروه سیاسی

قدرت کشورها را معمولا با عدد می‌سنجند؛ اندازه اقتصاد، بودجه نظامی، تعداد جنگنده‌ها، ناوها و موشک‌ها. ظرفیت صنعتی و سهم آنها از تجارت جهانی. این شاخص‌ها بی‌تردید در ارزیابی قدرت ملی اهمیت دارند، اما همه واقعیت را روایت نمی‌کنند. آنچه در بازخوانی گزاره اخیر رهبر انقلاب درباره «ابرقدرت چهارم» و «قدرت اول جهان در محاسبات الهی» اهمیت پیدا می‌کند، دقیقا همین عبور از تعریف صرفا مادی قدرت است. جمهوری اسلامی ایران طی نزدیک به پنج دهه، در شرایطی مسیر خود را طی کرده که بخش قابل توجهی از ظرفیت‌های جهانی علیه آن به کار گرفته شده است؛ از جنگ تحمیلی و ترور گرفته تا تحریم، فشار اقتصادی، عملیات روانی و محدودیت‌های فناورانه. بنابراین اگر امروز از افزایش وزن راهبردی ایران سخن گفته می‌شود، این مسئله را نمی‌توان از تجربه تاریخی کشوری جدا کرد که بخش مهمی از توانمندی‌های دفاعی و فناورانه خود را در شرایط فشار و محدودیت ایجاد کرده است. تعبیر «ابرقدرت چهارم» را البته نباید به یک رتبه‌بندی رسمی و مورد اجماع درباره قدرت‌های جهان تبدیل کرد. چنین برداشتی نه دقیق است و نه کمکی به فهم درست سخن رهبر انقلاب می‌کند. اهمیت این گزاره در جای دیگری است؛ اینکه ایران به سطحی از قدرت و اثرگذاری رسیده که دیگر نمی‌توان آن را صرفا یک قدرت منطقه‌ای با دامنه اثرگذاری محدود تلقی کرد.

جنگ‌های اخیر نیز بخشی از این واقعیت را آشکار کرد. در میدان نبرد، قدرت صرفا به برخورداری از تجهیزات خلاصه نمی‌شود؛ توان حفظ فرماندهی، استمرار عملیات، بازسازی ظرفیت‌ها، مدیریت فشار و تبدیل موقعیت جغرافیایی به اهرم راهبردی نیز بخشی از قدرت است. تنگه هرمز نمونه روشنی از همین موضوع است؛ جغرافیایی که در محاسبات امنیتی ایران، منطقه و حتی اقتصاد جهانی اهمیت دارد.

اما شاید مهم‌تر از قدرت سخت، مؤلفه‌ای باشد که در محاسبات کلاسیک کمتر دیده می‌شود؛ اراده ملی. هیچ سامانه موشکی یا پهپادی به‌تنهایی قدرت‌آفرین نیست؛ پشت هر توان دفاعی، انسان، دانش، صنعت، تجربه و اراده‌ای قرار دارد که آن ظرفیت را ساخته و حفظ می‌کند. از همین جا می‌توان به بخش دوم گزاره رهبر انقلاب رسید؛ «قدرت اول» در محاسبات الهی. این تعبیر اساسا قرار نیست در کنار شاخص‌های تولید ناخالص داخلی و بودجه نظامی قرار گیرد. سخن از نوع دیگری از قدرت است؛ قدرتی که در آن ایمان، توکل، ایثار، شهادت‌طلبی، استقلال‌خواهی و آمادگی برای دفاع از حق، بخشی از سرمایه یک ملت محسوب می‌شود.

البته این نگاه نباید ما را از واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی کشور غافل کند. قدرت پایدار زمانی شکل می‌گیرد که توان دفاعی با اقتصاد قوی، علم و فناوری، رفاه عمومی، حکمرانی کارآمد و سرمایه اجتماعی همراه شود. ایران برای تبدیل قدرت موجود به قدرتی ماندگار، همچنان نیازمند تقویت همین اضلاع است.

با این حال، یک واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت؛ ایران امروز در محاسبات امنیتی منطقه و جهان، کشوری نیست که بتوان آن را حذف کرد یا بدون در نظر گرفتن واکنش آن تصمیم گرفت. این جایگاه محصول یک روز و یک جنگ نیست؛ حاصل دهه‌ها تجربه، مقاومت، انباشت توان دفاعی و مهم‌تر از همه، حفظ استقلال در برابر فشارهای مستمر است. از این منظر، «ابرقدرت چهارم» بیش از آنکه یک عدد باشد، توصیفی از افزایش وزن راهبردی ایران است و «قدرت اول» در محاسبات الهی، تعریفی از منشأ دیگری برای قدرت؛ منشأیی که در آن، ایمان و اراده انسان‌ها نیز وارد معادله می‌شود. شاید پیام اصلی همین باشد؛ قدرت واقعی یک ملت فقط در آنچه دارد خلاصه نمی‌شود؛ در آنچه حاضر است برای حفظ استقلال، عزت و آرمان‌های خود هزینه کند نیز معنا پیدا می‌کند.

گزارش «آگاه» درباره تحرکات نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی را بخوانید

فراتر از هشدار

۱۳ مهر پیام‌های بازدارنده فرماندهان ارشد نیروهای مسلح در واکنش به تهدیدات دشمن منتشر شد و دیروز خبر انهدام سه هسته عملیاتی گروهک تروریستی - تکفیری در جنوب شرق، حضور تیم ویژه نیروی زمینی سپاه در رزمایش شانگهای و منهدم شدن باقیمانده تیم‌های تروریستی تکفیری در استان سیستان و بلوچستان رسانه‌ای شد. ایران در این زنجیره تحرکات، ابتدا با هشدار، لایه بازدارندگی را فعال کرد، سپس با انهدام هسته‌های تروریستی، تسلط کامل خود را به رخ دشمن کشید و با حضور در رزمایش بین‌المللی، نقش‌آفرینی‌اش در ائتلاف‌های دفاعی را نمایش می‌دهد.

سرلشکر علی عبداللهی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، سرلشکر محسن رضایی نماینده رهبر انقلاب و دبیر شورای عالی امنیت ملی و سرلشکر امیر حاتمی فرمانده کل ارتش روز دوشنبه حسابی برای دشمن خط و نشان کشیدند تا حساب کار دست‌شان بیاید. آنها (آمریکا و رژیم صهیونی) که چشم‌های‌شان را رو به واقعیت بسته‌اند و حاضر نیستند شکست در دو جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه با جمهوری اسلامی ایران را بپذیرند، همچنان بر این باور هستند با تهدید و یاوه‌گویی‌ها می‌توانند ایران و ایرانیان را وادار به تسلیم کنند. اما آنچه از سوی مسئولان ارشد کشوری و لشکری بیان شد حاکی از آن است، اگر دوباره بخواهند خطایی مرتکب شوند این بار برگ‌ها و سناریوهای جدیدی از سوی نیروهای مسلح روی میز قرار خواهد گرفت. در همین راستا، روز سه‌شنبه (۱۴ مهر) سه خبر مهم در خبرگزاری‌های رسمی و فضای مجازی انتشار یافت.

تبدیل هشدار به اقدام عملیاتی

وزارت اطلاعات خبر داد؛ سربازان گمنام امام زمان (عج) در این اداره کل بر اساس گزارش‌های مردمی و رصدهای اطلاعاتی و عملیاتی، موفق شدند سه هسته سازمان یافته و مترصد عملیاتی گروهک‌های تروریستی - تکفیری وابسته به دشمن آمریکایی - صهیونی را در شهرستان‌های ایرانشهر، سرباز، سراوان و زاهدان و با همکاری اداره کل اطلاعات استان هرمزگان، در شهرستان قشم آن استان، شناسایی و قبل از هرگونه اقدام خرابکارانه و تروریستی منهدم کنند.

در این اطلاعیه آمده است: دو نفر از این تروریست‌ها در درگیری با نیروهای حافظ امنیت به هلاکت رسیده و ۱۰ نفر دیگر از اعضای تیم‌های تروریستی وارداتی دستگیر شدند. مزدوران وارداتی که با همکاری تنگاتنگ سپاه پاسداران و فرماندهی انتظامی استان دستگیر شدند، دوره‌های آموزش‌های نظامی، بمب‌گذاری و ترور را در خارج از کشور گذرانده و با قصد تخریب و ایجاد ناامنی وارد کشور شده و در خانه‌های تیمی مستقر شده بودند. از تروریست‌های دستگیر شده مقادیر قابل توجهی سلاح و مهمات جنگی کشف و ضبط شد.

همچنین در ادامه سلسله اقدامات مستمر و هدفمند اطلاعاتی در ضربه به باندهای شرارت، سربازان گمنام امام زمان (عج) موفق شدند دو باند سازمان یافته شرارت و مخل نظم و امنیت عمومی را متلاشی و پنج شرور مسلح را به همراه مقادیری سلاح و تجهیزات مربوطه دستگیر کنند.

خبر دوم به شناسایی و انهدام کامل تیم تروریستی تکفیری که در ترور علمای اهل سنت استان، شهید مولوی یوسف گرگیج و شهید مولوی محمد انور ریگی و نیز ترور دو نفر از نیروهای خدوم فراجا که در قطار خنجک زاهدان حضور داشتند، اختصاص داشت.

قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد: «در ادامه تلاش‌های جامعه اطلاعاتی برای شناسایی تروریست‌های آمریکایی - صهیونیستی، با عنایات الهی تیم تروریستی - تکفیری که در ترور علمای اهل سنت استان، شهید مولوی یوسف گرگیج و شهید مولوی محمد انور ریگی و نیز ترور دو نفر از نیروهای خدوم فراجا در قطار خنجک زاهدان دست داشتند، شناسایی و تحت تعقیب اطلاعاتی قرار گرفته و به طور کامل منهدم شد. در ادامه شناسایی سایر عناصر و پشتیبانان تیم منهدم شده در منزل آب زاهدان، تعداد دو نفر دیگر از اعضای این تیم در تاریخ ۱۴۰۵/۷/۱۳ به هلاکت رسیدند.

در مجموع تعداد هشت نفر از این تیم تروریستی به هلاکت رسیده و تعداد چهار نفر دیگر نیز دستگیر شدند. قرارگاه قدس ضمن تشکر از مردم شریف استان به خاطر همکاری و ارائه گزارش از مخفیگاه‌های تروریست‌ها به برخی فریب خوردگان هشدار می‌دهد که فریب مزدوران صهیونی-آمریکایی را نخورند.»

روی هم رفته، رسانه‌ای شدن انهدام سه هسته عملیاتی توسط وزارت اطلاعات و انهدام تیم تروریستی مسئول ترور علمای اهل سنت توسط قرارگاه قدس، راستی‌آزمایی همان هشدارهای مسئولان کشوری و لشکری است. اقدام اخیر پیامی به دشمنان منتقل می‌کند. نخست آنکه دستگاه‌های امنیتی و نظامی در بالاترین سطح هماهنگی هستند تا بلافاصله پس از هشدار، ضربه بزنند. دوم؛ نفوذ دشمن در نقاط حساس به‌ویژه جنوب شرق با شکست مواجه شده و شبکه ترور آنان پیش از آنکه بتواند ضربه‌ای وارد کند، شناسایی شد.

نمایش عمق دفاعی در سطح بین‌المللی

سومین خبر که دیروز ضریبی در رسانه‌های داخلی داده شد، درباره حضور تیم ویژه نیروی زمینی سپاه در رزمایش شانگهای بود. تیم نیروی زمینی سپاه به نمایندگی از نیروهای مسلح کشورمان، برای شرکت در رزمایش مشترک ضد تروریستی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، وارد کشور بلاروس شد. در شرایطی که دشمنان و کشورهای غربی و اروپایی در تلاش برای کاهش ارتباط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه هستند، حضور در این رزمایش در ادامه تعاملات راهبردی کشورمان با اعضای سازمان همکاری شانگهای انجام می‌شود. تیم نیروهای ویژه نیروی زمینی سپاه به منظور انتقال تجربه در کنار نیروهای کشورهای عضو، برای شرکت در این رزمایش به کشور بلاروس اعزام شد. سال گذشته نیز نیروی زمینی سپاه در منطقه عمومی شبستر، به عنوان چهارمین کشور میزبان، مسئولیت برگزاری این رزمایش ضد تروریستی را بر عهده داشت. این میزبانی، اقتدار و آمادگی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را به نمایش گذاشت. همزمان با عملیات‌های داخلی، ورود تیم نیروی زمینی سپاه به بلاروس برای شرکت در رزمایش مشترک سازمان همکاری شانگهای، تکمله زنجیره اقتدار ایران است. این حرکت به دشمن دوباره می فهماند، بازدارندگی «جمهوری اسلامی» تنها به مرزهای داخلی محدود نمی‌شود. حضور در رزمایش‌های ضد تروریستی در کنار کشورهای عضو شانگهای، اقدامی مهم است؛ ایران در حال تقویت ائتلاف‌های دفاعی خود است تا هرگونه جسارت خارجی را با تکیه بر توانمندی‌های گسترده‌تر پاسخ دهد.

نتیجه‌گیری: پیام جامع نظام دفاعی به دشمن

بررسی تحرکات اخیر نشان می دهد، نظام دفاعی و امنیتی کشور از مدل «اول هشدار و سپس اجرا» برای مدیریت تهدیدات استفاده کرده است. ابتدا هشدارهای لازم از سوی فرماندهان داده شد و بعد از آن استراتژی اصلی در روز دوم نمایان شد؛ جایی که عملیات‌های ضربتی در جنوب شرق، هشدارها را از فضای کلامی خارج و به واقعیت‌های میدانی تبدیل کرد. این اقدام، به معنای تسلط کامل بر لایه‌های نفوذ دشمن و توانایی در شناسایی و حذف سریع تهدیدات است، پیش از آنکه این تهدیدات به مرحله اجرا برسند. از سوی دیگر، پیوند زدن این موفقیت‌ها با حضور نظامی در بلاروس برگرفته از نگاه کلان ایران است و ثابت می‌کند توانمندی‌های امنیتی کشور، نه تنها در داخل مرزها، بلکه در سطح بین المللی نیز به رسمیت شناخته شده و در حال گسترش است. در واقع، این تحرکات را می‌توان به عنوان «زبان مشترک» تحلیل کرد؛ زبانی که در آن هشدارها، عملیات‌های داخلی و حضور در رزمایش‌های خارجی، همگی در خدمت هدف واحد یعنی تثبیت و تقویت بازدارندگی هستند. در نتیجه، پیام نهایی برای هرگونه جسارت خارجی روشن است: «اگر دشمن اشتباهی مرتکب شود، نباید فکر کند فقط در داخل کشورمان با او می‌جنگیم؛ ما با قدرت سازمان‌یافته، هماهنگ و در ابعادی فراتر از مرزهای کشور. در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای. پاسخ خواهیم داد.»







رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی خطاب به آمریکا:
ایران عقب‌نشینی نمی‌کند

روز شلوغ رئیس جمهور در پاستور
ماموریت پزشکیان به سفیران جدید ایران در پنج کشور جهان



دیروز مسعود پزشکیان، رئیس جمهور، در دیدارهای جداگانه ای که با سفیران جدید کشورهای مختلف داشت، اشاره‌ای به رویکرد دولتش در حوزه سیاست خارجی کرد. پذیرش استوارنامه‌های سفیران هند، دانمارک و تایلند و حضور در آیین بدرقه سفرای جدید در پنج کشور، گویای استراتژی «تکثر در روابط» است. این حجم از دیدارهای متنوع در یک بازه زمانی کوتاه، پیامی از تلاش برای فعال‌سازی همزمان چندین محور ارتباطی در جهان را منتقل می‌کند.

در بررسی دقیق‌تر این دیدارها، سه محور کلیدی به چشم می‌خورد. نخست، محور شرق دور با تمرکز بر هند و تایلند است. تاکید رئیس جمهور بر نقشه راه همکاری‌های راهبردی با هند، حاکی از آن است که ایران به دنبال تبدیل روابط خود به یک پیوند بلندمدت است تا علاوه بر منافع اقتصادی، صلح و امنیت منطقه را نیز تحت تاثیر قرار دهد. در مورد تایلند نیز، نگاه به ظرفیت‌های فناوری و پیوندهای تاریخی، حکایت از تلاش برای یافتن نقاط مشترک جدید در آسیای شرقی دارد. دوم، محور اروپا با حضور دانمارک، ایتالیا و یونان است. سوم، محور آفریقا (سنگال و اوگاندا) و کشورهای همسایه (امارات) است که بر نگاه دولت به بازارهای نوظهور و تقویت همکاری‌های هرچه بیشتر تاکید دارد.

پزشکیان در جریان مراسم بدرقه و معارفه سفرای جدید جمهوری اسلامی ایران در کشورهای امارات متحده عربی، یونان، ایتالیا، اوگاندا و سنگال ضمن آرزوی موفقیت در انجام امور ماموریت های محوله و گسترش تعاملات همه جانبه با کشورهای مذکور، گفت: امیدوارم سفر خوبی در پیش داشته باشید و ماموریت‌های خود را به درستی در مسیر دفاع از منافع ملی و گسترش مراودات چندجانبه و به طور خاص اقتصادی انجام بدهید. وی با تاکید بر تعمیق ارتباطات فرهنگی و چندجانبه با همسایگان و سایر کشورها این ماموریت را به سفرا ابلاغ کرد تا محیط را برای تقویت روابط چندجانبه و توسعه مراودات علمی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی و هنری فراهم کنند.

رئیس جمهور با قرائت بخشی از آیات قرآن و با اشاره به برخی از روایات بر ضرورت دوستی و همگرایی اسلامی تاکید کرد و گفت: تمامی کشورها باید در جهت تقویت دوستی و پرهیز از تنش و دعوا تلاش کنند زیرا براساس آیات و روایات همه ما کشورهای مسلمان و همسایگان امت و ید واحده هستیم؛ بنابراین شما عزیزان حامل پیام برادری، دوستی و وحدت باشید. چنانچه همکاری‌های ما با سایر کشورهای منطقه و همسایگان تقویت شود می‌توانیم مجلس مشترک اسلامی داشته باشیم که عامل پیشرفت و توسعه جامعه اسلامی خواهد شد؛ همچنین امنیت را در منطقه فراهم خواهد کرد.



پزشکیان وجود وحدت و انسجام اسلامی را ضرورتی انکارناپذیر در برابر دشمنی های رژیم صهیونیستی برشمرد و تصریح کرد: ضرورت دارد از دعواهای مذهبی و دینی پرهیز کنیم و انسجام اسلامی را در منطقه گسترش دهیم. حرکت در مسیر دستورات الهی سبب می شود که هیچگاه اسرائیل جرات نکند تا به کشورهای اسلامی چشم طمع داشته باشد و به آنها حمله کند. منطقه ما مملو از ثروت و سرمایه است باید به یکدیگر کمک کنیم تا همه در تمامی ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی پیشرفت کنیم.

وی دوری از منیت را پیش نیاز وحدت و انسجام میان کشورهای اسلامی و منطقه برشمرد و گفت: تمامی پیروان ادیان ابراهیمی براساس آیات قرآن به نوعی مسلمان هستند. همه باید رنگ خدایی بگیریم و خداگونه باشیم و در مسیر درست گام برداریم. در این بین رایزنان فرهنگی باید انتقال‌دهنده فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی باشند و در پی خدمت به مردم جامعه هدف قرار بگیرند.

در بخشی از این مراسم آقایان حمیدرضا دهقانی سفیر جدید جمهوری اسلامی ایران در امارات متحده عربی، محمود حیدری سفیر جدید جمهوری اسلامی ایران در یونان، علی‌اکبر رضایی سفیر جدید جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا، رضا نوریان سفیر جدید جمهوری اسلامی ایران در اوگاندا و حمید مرادخانی سفیر جدید جمهوری اسلامی ایران در سنگال معرفی شدند. همچنین هریک از سفیران در سخنانی به تشریح و تبیین راهبرد و ماموریت خود در کشورهای مورد نظر در راستای گسترش روابط چندجانبه و توسعه همکاری‌ها پرداختند.

ماموریت هایی که رئیس جمهور به سفیران جدید ایران در پنج کشور ابلاغ کرد، در کنار نکات کلیدی مطرح‌شده در دیدارهای جداگانه با سه سفیر جدید در تهران، بازتاب دهنده این واقعیت است که دیپلماسی دولت چهاردهم چند بعدی دنبال می شود. ایران با گشودن همزمان درهای تعامل با کشورهای مختلف در قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا، در پی ایجاد شبکه‌ای گسترده از روابط متوازن است تا از این طریق، اثرات فشارهای خارجی و تحریم‌ها را به حداقل رسانده و آنها را خنثی کند.

در این میان، اولویت ویژه ای به دیپلماسی همسایگی و همکاری های منطقه‌ای داده شده است؛ دولت بر این باور است امنیت و توسعه پایدار، پیش از هر چیز در گرو همسویی و تعامل همسایگان با یکدیگر و استفاده از ظرفیت و پتانسیل‌های اقتصادی است. درواقع، تقویت روابط با همسایگان، به عنوان هسته مرکزی این استراتژی، تکیه‌گاهی برای تعاملات گسترده‌تر در سطح جهانی است.

فرجام سخن: رایزنی‌های صورت گرفته برای آن است تا همواره جایگاه ایران به عنوان بازیگری فعال و اثرگذار در معادلات جهانی دیده شود. این تحرک دیپلماتیک و تلاش برای چندقطبی کردن روابط، در حقیقت شکست دوباره سیاست‌های ایالات متحده و دونالد ترامپ است چرا که ثابت می‌کند ایران نه تنها در برابر فشارهای خارجی تسلیم نشده، بلکه با هوشمندی در حال بازتعریف جایگاه خود در نظم نوین جهانی است.

رحیم زارع در گفت‌وگو با «آگاه»:
اقتصاد قوی از دل تولید ملی شکل می‌گیرد



تولید ملی یکی از مهم‌ترین پایه های شکل‌گیری یک اقتصاد قدرتمند، مستقل و مقاوم در برابر فشارها و شوک های خارجی است؛ موضوعی که در شرایط امروز اقتصاد کشور، بیش از گذشته اهمیت پیدا کرده است. هراندازه ظرفیت‌های تولیدی در داخل کشور توسعه پیدا کند، نیاز اقتصاد به واردات و تامین کالا و خدمات از خارج کاهش خواهد یافت و منابع مالی کشور نیز به جای آنکه صرف تامین نیازهای وارداتی شود، در مسیر سرمایه گذاری، ایجاد ارزش افزوده، اشتغال و افزایش درآمد به کار گرفته می‌شود. از این منظر، تولید داخلی به صورت مستقیم با قدرت اقتصادی کشور، استقلال تصمیم‌گیری و میزان تاب‌آوری اقتصاد در برابر تحولات خارجی ارتباط دارد. تجربه سال‌های گذشته نیز نشان داده است کشورهایی که از ظرفیت‌های تولیدی قدرتمند برخوردارند، در مواجهه با بحران‌ها و محدودیت‌های خارجی آسیب‌پذیری کمتری دارند و می‌توانند بخش قابل توجهی از نیازهای خود را از طریق ظرفیت‌های داخلی تامین کنند. بنابراین توجه به تولید ملی باید از سطح شعار فراتر رفته و به یک محور پایدار در سیاست‌گذاری اقتصادی کشور تبدیل شود.

از سوی دیگر، تقویت تولید داخلی تنها به معنای افزایش تعداد کارخانه ها یا رشد میزان تولید یک محصول مشخص نیست، بلکه فعال شدن تولید می‌تواند مجموعه‌ای از زنجیره‌های اقتصادی را در کشور به حرکت درآورد. فعالیت یک واحد تولیدی، تقاضا برای مواد اولیه، تجهیزات، حمل‌ونقل، خدمات، نیروی انسانی، توزیع و بازار مصرف ایجاد می‌کند و به این ترتیب ارزش افزوده بیشتری در داخل کشور شکل می‌گیرد. این فرآیند در نهایت می‌تواند به افزایش ثروت ملی و تقویت بنیان‌های اقتصادی منجر شود. در چنین شرایطی، تولیدکننده داخلی را نمی‌توان صرفا یک فعال اقتصادی دانست؛ چراکه استمرار فعالیت او با اشتغال، درآمد خانوارها، گردش مالی بنگاه‌ها و رونق بخش‌های مختلف اقتصادی ارتباط مستقیم دارد. بر همین اساس، سیاست حمایت از تولید باید به گونه‌ای طراحی شود که ضمن رفع موانع فعالیت بنگاه ها، زمینه سرمایه گذاری، توسعه بازار، افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری تولیدکنندگان داخلی را نیز فراهم کند. در عین حال، حمایت از تولید نباید به ایجاد رانت یا حفظ بنگاه‌های ناکارآمد منجر شود، بلکه منابع محدود کشور باید به سمت فعالیت‌هایی هدایت شود که بیشترین ارزش افزوده، اشتغال و اثرگذاری اقتصادی را ایجاد می‌کنند.

تقویت تولید همچنین می‌تواند یکی از مسیرهای مهم برای مقابله با فشارهای تورمی باشد. اگرچه مهار تورم نیازمند مجموعه‌ای از سیاست‌های پولی، مالی و ارزی است، اما نمی‌توان از نقش سمت عرضه اقتصاد و افزایش ظرفیت تولید در ایجاد تعادل میان عرضه و تقاضا غافل شد. زمانی که تولید داخلی افزایش پیدا می‌کند، عرضه کالا و خدمات در بازار بیشتر شده و وابستگی به واردات کاهش می‌یابد؛ مسئله‌ای که می‌تواند به ایجاد ثبات بیشتر در بازار و کاهش فشار هزینه‌ای بر خانوارها کمک کند. از همین رو، سیاست های حمایتی از تولید باید در حوزه هایی همچون تامین مالی، مقررات‌گذاری، مالیات، انرژی، زیرساخت و نحوه تعامل دستگاه‌های اجرایی با بخش خصوصی خود را نشان دهد. درواقع نمی‌توان از تولیدکننده انتظار داشت در شرایطی که با هزینه‌های بالای تولید، دشواری تامین مالی، تغییرات مکرر مقررات و محدودیت‌های زیرساختی مواجه است، به افزایش تولید و سرمایه‌گذاری ادامه دهد. ایجاد ثبات در فضای اقتصادی و فراهم کردن امکان برنامه‌ریزی برای تولیدکننده، یکی از الزامات مهم برای حرکت سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌های مولد است.

در کنار این مسائل، یکی از مهم‌ترین آثار تقویت تولید ملی، ایجاد اشتغال پایدار و افزایش درآمد خانوارهاست. اشتغال پایدار زمانی شکل می‌گیرد که بنگاه تولیدی بتواند فعالیت مستمر داشته باشد، سرمایه‌گذاری کند و بازار خود را توسعه دهد. افزایش تولید به معنای افزایش تقاضا برای نیروی کار و در نتیجه افزایش درآمد خانوارهاست؛ بنابراین اگر هدف، افزایش قدرت خرید مردم و بهبود وضعیت معیشتی آنهاست، سیاست های حمایتی باید در کنار توجه به ریشه های ایجاد درآمد پایدار قرار گیرد. اقتصاد قوی نیز صرفا با افزایش واردات یا رشد مصرف شکل نمی‌گیرد، بلکه از کارخانه، کارگاه، مزرعه و بنگاه تولیدی داخلی آغاز می‌شود. کشور ظرفیت‌های فراوانی برای تولید و سرمایه‌گذاری دارد و فعال کردن این ظرفیت‌ها نیازمند رفع موانع، تامین مالی مناسب، ثبات مقررات و کاهش هزینه‌های تولید است. در همین راستا، با رحیم زارع، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی، به گفت‌وگو نشسته‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

■ با توجه به شرایط اقتصادی کشور، تولید داخلی چه نقشی در تقویت اقتدار اقتصادی و کاهش وابستگی به خارج دارد؟

تولید ملی ستون فقرات اقتصاد کشور است و اگر بخواهیم اقتصادی قدرتمند، مستقل و مقاوم در برابر شوک های خارجی داشته باشیم، باید ظرفیت های تولید داخل را تقویت کنیم. تجربه سال های گذشته نشان داده است هرجا توان تولید داخلی را افزایش داده ایم، نیاز کشور به واردات و تامین کالا از خارج کاهش پیدا کرده است؛ بنابراین تولید داخلی در نهایت به معنای بی‌نیازی بیشتر کشور از دیگران و افزایش قدرت اقتصادی ایران است. زمانی که یک واحد تولیدی فعال می‌شود، زنجیره‌ای از فعالیت‌های اقتصادی از تامین مواد اولیه تا حمل‌ونقل، توزیع و خدمات شکل می‌گیرد و در نتیجه ارزش افزوده در داخل کشور ایجاد می‌شود. این فرآیند در نهایت به افزایش ثروت ملی و تقویت بنیان‌های اقتصادی کشور منجر خواهد شد.

■ تقویت تولید ملی تا چه اندازه می‌تواند به مهار تورم کمک کند؟

تقویت تولید یکی از مسیرهای مهم کاهش فشارهای تورمی است. نمی‌توان با سیاست‌های مقطعی و صرفا با جبران افزایش قیمت‌ها، مسئله تورم را برای همیشه حل کرد؛ یکی از ریشه‌های اصلی باید در سمت عرضه و افزایش ظرفیت تولید دنبال شود. هرچه تولید داخلی افزایش پیدا کند، عرضه کالا و خدمات بیشتر و وابستگی به واردات کمتر می‌شود و این موضوع می‌تواند به ایجاد تعادل در بازار و کاهش فشار هزینه ای بر خانوارها کمک کند. بنابراین سیاست مهار تورم باید در کنار کنترل عوامل پولی و مالی، بر تقویت بخش واقعی اقتصاد و افزایش تولید نیز متمرکز باشد. حمایت از تولید نباید صرفا در قالب شعار باقی بماند، بلکه باید در سیاست‌گذاری های اقتصادی، نظام تامین مالی، مقررات‌گذاری، مالیات، انرژی، زیرساخت‌ها و نحوه تعامل دستگاه‌های اجرایی با بخش خصوصی خود را نشان دهد.

■ تولید ملی چه نقشی در ایجاد اشتغال و افزایش درآمد خانوارها دارد؟

یکی از مهم ترین آثار تقویت تولید ملی، ایجاد فرصت های شغلی پایدار است. اشتغال پایدار زمانی شکل می‌گیرد که بنگاه تولیدی بتواند فعالیت مستمر داشته باشد، سرمایه‌گذاری کند و بازار خود را توسعه دهد. افزایش تولید به معنای افزایش تقاضا برای نیروی کار و در نتیجه افزایش درآمد خانوارهاست. بنابراین اگر هدف ما افزایش قدرت خرید مردم است، باید علاوه بر سیاست های حمایتی، به ریشه موضوع یعنی ایجاد اشتغال و درآمد پایدار توجه کنیم. حمایت از تولید داخلی باید هدفمند باشد. منابع محدود کشور باید به سمت فعالیت‌هایی هدایت شود که بیشترین ارزش افزوده، اشتغال و اثرگذاری اقتصادی را ایجاد می‌کنند. حمایت نباید به معنای ایجاد رانت یا حفظ بنگاه‌های ناکارآمد باشد، بلکه باید به تولیدکننده‌ای که توان رقابت، توسعه و افزایش بهره‌وری دارد، فرصت فعالیت داده شود.

■ برای تقویت تولید ملی و فعال‌سازی ظرفیت‌های اقتصادی کشور چه اقداماتی باید در دستور کار قرار گیرد؟

اگر تولید ملی را تقویت کنیم، هم پایه‌های درآمدی اقتصاد کشور تقویت می‌شود، هم اشتغال افزایش پیدا می‌کند، هم وابستگی به خارج کاهش می‌یابد و هم زمینه برای ایجاد ثروت ملی فراهم می‌شود. امروز باید تولید را به عنوان یک موضوع راهبردی در سیاست اقتصادی کشور ببینیم؛ چراکه اقتصاد قوی صرفا با افزایش واردات یا مصرف شکل نمی‌گیرد، بلکه از کارخانه، کارگاه، مزرعه و بنگاه تولیدی داخلی آغاز می‌شود. کشور ظرفیت‌های فراوانی برای تولید و سرمایه گذاری دارد و باید با رفع موانع، تامین مالی مناسب، ثبات مقررات و کاهش هزینه‌های تولید، این ظرفیت‌ها را فعال کرد. هر میزان که تولید ملی قدرتمندتر شود، اقتصاد ایران مستقل‌تر، اشتغال پایدارتر، درآمد مردم بیشتر و قدرت کشور در برابر فشارهای خارجی نیز افزایش خواهد یافت.



سخنگوی وزارت دفاع در نشست خبری به تشریح برنامه‌های مهرداد اخلاقی، وزیر پیشنهادی دفاع پرداخت
تداوم راه خودکفایی دفاعی

عصر دوشنبه، رئیس جمهور در نامه‌ای به محمدباقر قالیباف، وزیر پیشنهادی دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح را معرفی کرد و در جلسه علنی و و بینایی دیروز خانه ملت، نامه معرفی مهرداد اخلاقی که هم اکنون مدیرعامل سازمان صنایع دفاع است، اعلام وصول شد.

پس از اعلام خبر معرفی وزیر پیشنهادی دفاع برای خواص و حتی عوام، سوال پیش آمد چرا هیچ تصویری از او وجود ندارد. طبیعی است در دوران جنگ، نباید با انتشار تصاویری، پازل دشمن را تکمیل کرد تا اهداف شوم خود را پیاده کند. اما آنچه مسلم است، گزینه‌ای به نمایندگان مجلس معرفی شده که از توانایی و تجربه بالایی در حوزه صنایع دفاع برخوردار است و طبیعتا با دست پر در جلسات کمیسیون ها و فراکسیون های مجلس حضور خواهد یافت و به تشریح برنامه هایش می پردازد. البته دیروز دو خبر در همین باره منتشر شد.

مهرداد اخلاقی، مدیرعامل سازمان صنایع دفاع وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، با حضور در ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران، با فرمانده کل ارتش دیدار و گفت‌وگو کرد. سرلشکر حاتمی در این دیدار با قدردانی از تلاش های مجاهدانه کارکنان متخصص، متعهد و انقلابی صنعت دفاعی کشور در جریان جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه، گفت: با وجود تلاش دشمنان برای متوقف ساختن زنجیره تولید تجهیزات و تسلیحات نظامی، مدیران و کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با اراده‌ای راسخ و همتی جهادی و انقلابی، اجازه ندادند رویاهای دشمنان خبیث ایران اسلامی به واقعیت تبدیل شود و در بحرانی‌ترین شرایط تجاوز دشمن جنایتکار، خطوط تولید صنعت دفاعی لحظه‌ای از خدمت و تلاش بازنایستاد.

وی، مهندس مهرداد اخلاقی را چهره‌ای شناخته‌شده، مجاهد، مجرب و انقلابی در عرصه صنعت دفاعی دانست و خاطرنشان کرد: ارتش جمهوری اسلامی ایران، تلاش دارد هرچه بیشتر از ظرفیت‌های بالنده، پویا و مستعد صنعت دفاعی کشور برای قدرت‌افزایی و ارتقای توان رزمی و دفاعی خود بهره‌برداری کند.

مهرداد اخلاقی، مدیرعامل سازمان صنایع دفاع نیز با قدردانی از همکاری و هم‌افزایی مجموعه ارتش جمهوری اسلامی ایران در دوره حضوروی در سازمان صنایع دفاع، اظهار کرد: سازمان صنایع دفاع و مجموعه صنعتی تحت مدیریت آن، آماده است با تمام ظرفیت و توان، همکاری و تعامل خود را با نیروهای چهارگانه ارتش جمهوری اسلامی ایران در راستای ارتقای آمادگی‌های دفاعی و تامین نیازمندی‌های نیروهای مسلح توسعه دهد.

وی گفت: امیدواریم نیروهای مسلح مقتدر، همچنان که تا امروز حماسه خلق کرده و دشمن زبون را در رسیدن به اهداف ننگین خود مایوس کرده‌اند، هرچه زودتر به پیروزی نهایی که اخراج آمریکا از منطقه است، دست یابند.

عصر روز سه شنبه سردار طلایی نیک، سخنگوی وزارت دفاع نشست خبری برگزار کرد و به دلایل معرفی مهرداد اخلاقی برای تصدی وزارت دفاع به مجلس شورای اسلامی پرداخت و با بیان اینکه تخصص و تجربه او متناسب با اقتضائات جهش قدرت موشکی، پهپادی و مجموعه تسلیحات دفاعی کشور است، گفت: مهندس اخلاقی متناسب با اولویتی که برای استمرار جهش کمی و کیفی تسلیحات راهبردی و اثربخش در جنگ وجود دارد، از میان مدیران مجرب، متخصص، شجاع و کارآمد وزارت دفاع معرفی شده است.

وی درباره سوابق اخلاقی اظهار کرد: وی دارای ۴۳ سال سابقه مدیریتی، فنی، صنعتی، علمی و راهبردی است و از افراد کلیدی در ارتقای قدرت موشکی کشور به شمار می‌رود. بر همین اساس و با توجه به اولویت‌های تعیین‌شده برای وزارت دفاع در حوزه ارتقای قدرت تسلیحاتی و تجهیزاتی، معرفی وی می‌تواند موجب افزایش هم‌افزایی و سرعت و توان پیشبرد برنامه‌های این وزارتخانه شود. اخلاقی از سال‌های گذشته تعامل و همکاری نزدیکی با سردار ابن الرضا، سایر مسئولان وزارت دفاع و فرماندهان نیروهای مسلح داشته است.

سخنگوی وزارت دفاع حضور اخلاقی در این وزارتخانه را، به معنای استمرار برنامه‌های شهید نصیرزاده، وزیر دفاع شهید دانست و با بیان اینکه او برنامه های خود را با رویکرد ارتقای توان تسلیحاتی، تجهیزات و مهمات و همچنین بهبود وضعیت معیشتی کارکنان و بازنشستگان نیروهای مسلح به مجلس شورای اسلامی ارائه کرده است، تاکید کرد: برنامه مهندس اخلاقی تکمیل‌کننده برنامه چهار ساله وزیر دفاع شهید و همراه با تغییرات متناظر با اولویت‌ها و اقتضائات جنگ است.

سردار طلایی نیک، یکی از رویکردهای مهم وزیر پیشنهادی در بیش از چهار دهه تجربه مدیریتی و صنعتی در وزارت دفاع را اتکا به نخبگان و سرمایه انسانی عنوان کرد و گفت: وی در به‌کارگیری دانشمندان، متخصصان و نخبگان جوان، در کنار بهره‌گیری از تجربیات ملی، کارنامه درخشانی دارد. در ۴۳ سال خدمت مهندس اخلاقی، بیش از ۴۰ مورد تقدیر از وی توسط مقامات لشکری و کشوری انجام شده است که از جمله آن می‌توان به چندین مورد تقدیر ویژه امام شهید از ایشان به دلیل عملکرد برجسته در ارتقای قدرت موشکی و تسلیحات دفاعی کشور اشاره کرد. پیش‌بینی می‌شود با رأی اعتماد مجلس به مهندس اخلاقی وزارت دفاع در دو سال باقی‌مانده از دولت چهاردهم، همانند افتخارات دوره شهید نصیرزاده، روندی جهشی در معیشت نیروهای مسلح و ارتقای کمی و کیفی تسلیحات پیش رو داشته باشد.



به هر حال، وزارت دفاع وزارتخانه‌ای است که تاریخ آن با ایثار و شهادت گره خورده است. اهمیت این وزارتخانه حساس در این است که اندیشه نظامی را به محصول صنعتی تبدیل می‌کند. در مقاطع حساس به خصوص، این وزارتخانه بود که با تکیه بر خلاقیت و نوآوری، تجهیزات مورد نیاز نیروهای مسلح را تامین کرد. از تولید پهپادها و موشک های دقیق گرفته تا تجهیزات پیشرفته زمینی و دریایی، همگی حاصل پشتیبانی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح است. به عبارت دیگر، هر پیروزی در میدان نبرد، ریشه در تلاش‌های مهندسی و صنعتی وزارت دفاع دارد.

از سوی دیگر باید به این مهم اشاره کرد که به دلیل جایگاه و اهمیت وزارت دفاع، گزینه‌ای که معرفی می‌شود باید مورد تایید نظام و نهادهای بالادستی باشد بر این اساس کاربرای رای اعتماد سخت نخواهد بود. ضمن آنکه وقتی فرمانده کل ارتش در دیداری از اخلاقی حمایت می‌کند، یعنی تخصص نامبرده مورد تایید واقع می‌شود. تشریح سوابق توسط سخنگوی وزارتخانه نیز برای این است که به نمایندگان مجلس اطمینان داده شود، فردی با تجربه و مسلط به نیازهای روز نظامی، سکان این وزارتخانه را در دست می‌گیرد.

با توجه به فضای حاکم به احتمال زیاد مجلسی ها رای بالایی به مهرداد اخلاقی خواهند داد. اما اهمیت این رای بالا، در دو نکته نهفته است. در لایه نخست، این رای بالا به داخل کشور و بدنه نیروهای مسلح پیام می‌دهد، اراده‌ای راسخ برای حمایت از مدیران وزارت دفاع وجود دارد. این موضوع باعث می‌شود که تکنسین‌ها، مهندسان و فرماندهان میدانی با اطمینان خاطر بیشتری روی برنامه های بلندمدت خود متمرکز شوند، چون می‌بینند پشتوانه سیاسی و قانون‌گذاری آنان در مجلس، کاملا با نیازهای میدانی آنها هم‌سو است.

در لایه دوم، این اتفاق پیام بازدارنده و صریح برای دشمن دارد. دشمن به دنبال ایجاد اختلال در زنجیره تولیدات دفاعی است. اما وقتی وزیر پیشنهادی با حمایتی گسترده و با رای قاطع مجلس به کرسی وزارت می نشیند، در اصل جبهه واحد و نفوذناپذیر خود نمایی می‌کند. این یعنی هرگونه تلاش دشمن برای ایجاد تردید در تصمیمات دفاعی، یا فشار برای متوقف کردن پروژه‌های صنعتی از طریق تحریم‌ها، با پاسخی هماهنگ روبه‌رو خواهد شد. رای بالا در مجلس به معنای آن است که مدیریت دفاعی کشور، نه تنها در حال پیشروی است، بلکه هرگونه مانعی را که بخواهد مسیر خودکفایی را مسدود کند، با تکیه بر اتحاد میان بدنه نظامی و سیاسی، درنوردیده و با سرعت بیشتری به سمت اهدافش حرکت خواهد کرد.



حدادعادل، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام:

جنگ امروز ایران و آمریکا، نبرد تاب‌آوری است

یمن، تنگه را محکم گرفته است

باب‌المندب؛ مقتل توهمات ائتلاف سعودی-غربی



حمله اخیر مزدوران سعودی در یمن که به عمالقه معروفند، جهت اشغال باب‌المندب، ذوباب و مخا، به طورکامل توسط انصارالله و ارتش واقعی و مردمی یمن دفع و خنثی شد و مزدوران سعودی مجبور به عقب‌نشینی شدند. نکته قابل توجه ماجرا آنجایی بود که مزدوران سعودی از پشتیبانی حملات هوایی ارتش سعودی و جنگنده‌های آمریکایی، فرانسوی و انگلیسی نیز برخوردار بودند؛ اما با این وجود بازهم به هزیمت رفتند و طعم تلخ شکست از انصارالله را چشیدند.

طی ۴۸ ساعت اخیر، رسانه‌های سعودی پروپاگاندای وسیعی به راه انداخته بودند که مناطق ذوباب و مخا که مشرف به باب‌المندب هستند به دست مزدوران سعودی افتاده است و انصارالله شکست خورده است؛ اما مستندات موجود این ادعای رسانه‌های سعودی را باطل کرد.

در همین رابطه، عادل الحسنی، خبرنگار سرشناس یمنی در شبکه ایکس نوشت: هیچ‌گونه پیشروی‌ای از سوی نیروهای وابسته به عربستان به سمت باب‌المندب صورت نگرفته است و همان گروهی که از ابتدای جنگ با فروش توهم و ترویج اخبار دروغین مشغول بوده، همچنان به همین رویکرد ادامه می‌دهد. ویدئوهای منتشرشده از جولان مزدوران سعودی نیز مربوط به مناطقی بسیار دور از خطوط تماس در غرب عدن و باب‌المندب هستند و چنین اقدامات کودکانه‌ای نه پیروزی محسوب می‌شود و نه دستاوردی میدانی ایجاد می‌کند. در مقابل، نیروهای وابسته به صنعا یعنی انصارالله در تعز و باب‌المندب به پیشروی‌های میدانی دست یافته‌اند و بدون هیاهوی رسانه‌ای، در حال تثبیت مواضع خود در مناطق مهم و راهبردی آنجا هستند.

ایستادگی انصارالله

تنگه باب‌المندب به عنوان یکی از حیاتی‌ترین نقاط ترانزیت انرژی و تجارت جهانی که متصل‌کننده دریای سرخ به خلیج عدن و اقیانوس هند است، همواره کانون توجه قدرت‌های بزرگ و ائتلاف‌های منطقه‌ای بوده است. تلاش برای اشغال محور ذوباب، مخا و کنترل باب‌المندب، تلاشی برای تغییر موازنه به نفع محور غربی و سعودی بود که با ایستادگی انصارالله ناکام ماند.

حضور و پشتیبانی مستقیم هوایی و لجستیکی از سوی قدرت‌های فرامنطقه‌ای نظیر ایالات متحده، بریتانیا و فرانسه در کنار جنگنده‌های سعودی، بار دیگر ثابت کرد که تجهیزات پیشرفته و برتری مطلق هوایی لزوما به معنای پیروزی در میدان نبرد زمینی با نیرویی با انگیزه، معتقد به آرمان‌های بومی و مسلط به تاکتیک‌های جنگ نامتقارن نیست. انصارالله طی سال‌های گذشته توانسته است مدل دفاعی بومی و پایداری را توسعه دهد که در برابر سنگین‌ترین حجم آتش و پشتیبانی‌های اطلاعاتی و نظامی غرب مقاومت کند.

شکست اخیر آمریکا و سعودی از انصارالله نشان داد که معادله امنیتی یمن به نقطه‌ای غیرقابل بازگشت رسیده است و اراده سیاسی و نظامی صنعا، بازیگری اصلی و تعیین‌کننده در تحولات دریای سرخ و مناطقی پیرامون آن است. هرگونه تلاش برای نفوذ مجدد به مناطق ساحلی غربی یمن، بدون تردید با هزینه‌های سنگین و شکست‌های غیرقابل ترمیم مواجه خواهد شد.

زانو زدن ارتش عاریه‌ای

توانمندی بومی یمن در تولید پهپادهای شناسایی و رزمی و توسعه موشک‌های بالستیک دوربرد، معادلات توازن وحشت را به ضرر متجاوزان تغییر داده است. اینکه پدافندهای چندلایه و گران‌قیمت آمریکایی در پایگاه‌های سعودی و اماراتی در برابر حملات دقیق و نقطه‌زن یمنی‌ها ناتوان مانده‌اند، نه یک اتفاق، بلکه نشانگر برتری هوشمندانه یک ارتش برآمده از بطن مقاومت بر زرادخانه‌های میلیاردی و عاریه‌ای است که به‌رغم ادعای تکنولوژیک، در مواجهه با واقعیت جنگ اراده‌ها، به زانو درآمده‌اند.

سیاست گرسنگی دادن و محاصره همه‌جانبه ملت یمن توسط ائتلاف سعودی، نه تنها نتوانست ستون فقرات مقاومت یمنی‌ها را درهم بشکند، بلکه به نوعی خودکفایی اجباری و خلاقانه در صنایع دفاعی و غذایی منجر شد. امروز جهان نظاره‌گر بن‌بست راهبردی ائتلافی است که با اتکا به دلارهای نفتی و حمایت بی‌قید و شرط غرب، تصور می‌کرد کار یمن را در چند هفته یکسره می‌کند؛ اما اکنون در باتلاقی فرورفته که خروج از آن بدون پذیرش شکست کامل، ناممکن است. اقدامات اخیر ارتش یمن در دریای سرخ و بستن عملی شریان حیاتی صهیونیست‌ها، پرده از واقعیتی برداشت که غرب سال‌ها سعی در پنهان کردن آن داشت: اینکه امنیت آبراه‌های بین‌المللی دیگر تحت انحصار و دیکتاتوری ناوگان‌های غربی نیست.

پاکستان اعزام نیرو به عربستان را منکر شد

وزارت اطلاع‌رسانی پاکستان با انتشار بیانیه‌ای در حساب کاربری خود در ایکس به ادعای مطرح‌شده از سوی منابع خبرگزاری رویترز درباره اعزام نیروهای پاکستانی به عربستان در ارتباط با درگیری یمن واکنش نشان داده و نوشت: با توجه به گمانه‌زنی رسانه‌ای رویترز درباره توافق دفاع مشترک مکه، بار دیگر تاکید می‌شود که پاکستان پیشتر تعهد خود به امنیت حرمین شریفین و پادشاهی عربستان سعودی را آشکارا اعلام کرده است و این تعهد قابل مذاکره نیست.

این وزارتخانه افزود: همچنین تاکید شده است که جزئیات عملیاتی تحقق بازدارندگی جمعی، موضوعی مرتبط با محرمانگی عملیاتی است و نباید دستمایه گمانه‌زنی رسانه‌ای مطرح شود. در این بیانیه توصیه شده است که از گزارش‌هایی که مبتنی بر گمانه‌زنی و اظهارات منابع نامشخص و غیرقابل استناد هستند، پرهیز شود و از این‌رو، بهتر است منابع رویترز به اظهارات رسمی وزارت امور خارجه پاکستان و دیگر مقامات در این زمینه مراجعه کنند.

واکنش این وزارتخانه در پی این مطرح می‌شود که خبرگزاری رویترز اخیرا در گزارشی مدعی شد که مقامات پاکستانی و منطقه‌ای گفته‌اند ترکیه و پاکستان که عربستان سعودی ماه گذشته با آنها یک توافق دفاع مشترک را در مکه امضا کرد، تجهیزات نظامی مورد استفاده ریاض علیه درگیری‌ها با انصارالله یمن را به آن ارائه داده‌اند. رویترز گزارش داد: یک مقام دولت پاکستان گفت که ماه گذشته پاکستان چهار هواپیمای باری حامل تجهیزاتی از جمله سامانه‌های پدافند هوایی، توپخانه سبک، پهپادها و سامانه‌های ضدپهپاد را به عدن، مقر دولت مورد حمایت عربستان در یمن، فرستاد. این رسانه بر اساس اظهارات یک مقام پاکستانی، یک مقام خلیج فارس و یک دیپلمات غربی همچنین مدعی شد که مشاوران نظامی پاکستانی نیز در میدان و در کنار همتایان سعودی خود برای پشتیبانی از نیروهای یمنی حضور دارند. آنها افزودند که پهپادهای ترکیه‌ای، که عربستان سعودی پیش از جنگ کنونی خریده بود، نیز بر فراز یمن مستقر شده‌اند.

رویترز بر اساس اظهارات مقام پاکستانی نوشته بود که این کشور بین ۳۰ هزار تا ۴۰ هزار نیرو به عربستان سعودی اعزام کرده است تا به دفاع از مرزهای زمینی این پادشاهی و به رهگیری پهپادها و موشک‌ها کمک کند. این مقام گفت که این نیروها از سال گذشته به دنبال موج‌های پی‌درپی جنگ، همچنین پس از تشدید تنش‌های اخیر وارد عربستان شدند.

انتقام آل‌سعود از کودکان یمنی!

جنگنده‌های سعودی و مؤتلف با سعودی، روز گذشته نیز به حملات هوایی خود علیه مناطق غیرنظامی یمن ادامه دادند تا انتقام شکست از انصارالله در میدان نبرد را از کودکان یمنی بگیرند. در همین راستا، روز گذشته جنگنده‌های سعودی در ۶ نوبت مناطق علی‌العمری و باب‌المندب در ذوباب و درسه نوبت حیفان را بمباران کردند. همچنین در ظهر روز گذشته نیز صعده در شمال یمن از سوی جنگنده‌های سعودی بمباران شد.

از سوی دیگر خبرنگار المیادین در یمن گزارش داد که در پی حملات هوایی عربستان به مناطق مرزی استان‌های صعده و حجه، هفت نفر شهید و ۶ نفر دیگر زخمی شدند. عربستان همچنین با موشک، مزارع و منازل شهروندان را در شهرستان‌های سحار و ساقین در استان صعده هدف قرارداد.

حمله یمن به جیزان

در پاسخ به تجاوزات و کودک‌کشی‌های ارتش سعودی، یحیی سریع، سخنگوی نیروهای مسلح یمن، در بیانیه‌ای اعلام کرد که نیروهای مسلح این کشور با عنایت الهی توانستند تجمعات مزدوران سعودی را در مرکز نظامی الدغارید در منطقه جیزان با تعدادی از موشک‌های بالستیک هدف قرار دهند. بر اساس این بیانیه، اصابت این موشک‌ها دقیق و مستقیم بود و در پی آن، ده‌ها نفر از مزدوران سعودی کشته و زخمی شدند. در ادامه این بیانیه آمده است که خودروهای امدادی به سرعت به محل هدف اعزام شدند و در میان صفوف مزدوران سعودی، حالت سردرگمی و اضطراب گسترده‌ای حاکم شد.

منطقه جیزان در جنوب غربی عربستان سعودی و در همسایگی مرزهای یمن قرار دارد. این منطقه از سال ۲۰۱۵ و با آغاز تجاوز ائتلاف سعودی به یمن، بارها هدف حملات موشکی و پهپادی نیروهای مسلح یمن قرار گرفته است. مرکز نظامی الدغاریر یکی از پایگاه‌های نظامی سعودی در این منطقه است که نیروهای یمنی پیشتر نیز آن را هدف قرار داده بودند. نیروهای مسلح یمن در سال‌های اخیر با توسعه توان موشکی و پهپادی خود، عمق خاک عربستان را به طور مکرر هدف حملات قرار می‌دهند و این حملات در چارچوب پاسخ به تجاوزات سعودی به خاک یمن است.

ریموس ۶۰۰ چگونه شکار شد؟

شاه‌ماهی نیروی دریایی آمریکا در تور سپاه

منطقه خلیج فارس از زمان شروع جنگ ۴۰ روزه به این سو همیشه شاهد درگیری‌های پنهان و آشکار بوده و حالا دوباره شاهد یک خبر مهم از مبدا خلیج فارس هستیم. بعد از غنیمت گرفتن یک فروند زیرسطحی بدون سرنشین سری Dive LD در میانه‌های شهریورسال جاری، روز یک‌شنبه پنج مهر، خبر یک شکار دیگر توسط ندسا منتشر شد و این بار مدل ۶۰۰REMUS به دام سبزپوشان نیروهای مسلح کشورمان افتاد.

شناور مورد نظر در ابتدا توسط انستیتوی اقیانوس شناسی Woods Hole در ماساچوست آمریکا طراحی شده است. این شناورهای زیرسطحی بدون سرنشین، توانایی انجام عملیات به صورت مستقل و خودران با استفاده برنامه از قبل دریافت کرده را داشته یا می‌توانند در میانه مسیر اطلاعات و ماموریت‌های جدید را دریافت کنند و براساس آن مسیر و عملیات خود را تغییر دهند.

در بحث تولید، این سری از شناورها در سال‌های مختلف توسط چند مجموعه صنعتی و کارخانه مختلف در آمریکا تولید می‌شدند ولی در حال حاضر صنایع هانتینگتون اینگالس، مسئول ساخت این زیرسطحی‌ها است. زیرسطحی‌های سری REMUS اولین بار در سال ۲۰۰۳ میلادی برای کشف و جست‌وجوی مین‌های دریایی در آب‌های ساحلی عراق در جریان تهاجم آمریکا به این کشور مورد استفاده قرار گرفتند.

مین‌روبی که شکار شد

این سامانه و خصوصا مدل ۶۰۰REMUS که به دست ندسا افتاده است از سال ۲۰۱۲ میلادی به صورت استاندارد در خدمت ناوگان پنجم آمریکا در منطقه خلیج فارس قرار داشته و وظیفه اصلی تعریف شده برای آن نیز بحث مین روبی بوده است. به صورت استاندارد این این شناور زیرسطحی توسط قایق‌های بادی موتوری حمل شده و سپس به داخل آب انداخته می‌شود ولی در سال‌های اخیر امکان حمل و پرتاب آنها از بالگردهای مخصوص عملیات دریایی مثل سری سی‌هاوک یا شناورهای سری LCS آمریکایی که برای عملیات مین روبی خصوصا در آب‌های کم عمق توسعه پیدا کردند نیز ممکن شده است.

البته ذکر این نکته مهم است که نیروی دریایی آمریکا در سال‌های اخیر آزمایش‌های زیادی را برای ارسال و بازیابی این زیرسطحی‌های بدون سرنشین از طریق لوله‌های پرتاب اژدر در زیردریایی‌های خود نیز داشته و این آزمایش‌ها نیز همچنان ادامه دارد. این زیردریایی بدون سرنشین علاوه بر نیروی دریایی آمریکا به ارتش‌های اوکراین، الجزایر، کانادا، ژاپن، ایرلند، کروواسی، انگلستان و نیوزلند هم صادر شده است. در این سری از زیرسطحی‌های بدون سرنشین علاوه بر سری ۶۰۰REMUS مدل‌های دیگری وجود دارد.

به صورت کلی این شناورها همگی دارای یک مجموعه یکسان از ماموریت‌ها هستند و در مدل‌های مختلف صرفا میزان عمقی که توان پایین رفتن در آن را دارند، متفاوت هستند. البته میزان ماندگاری آنها در دریا نیز متفاوت است.

مشخصات ریموس ۶۰۰

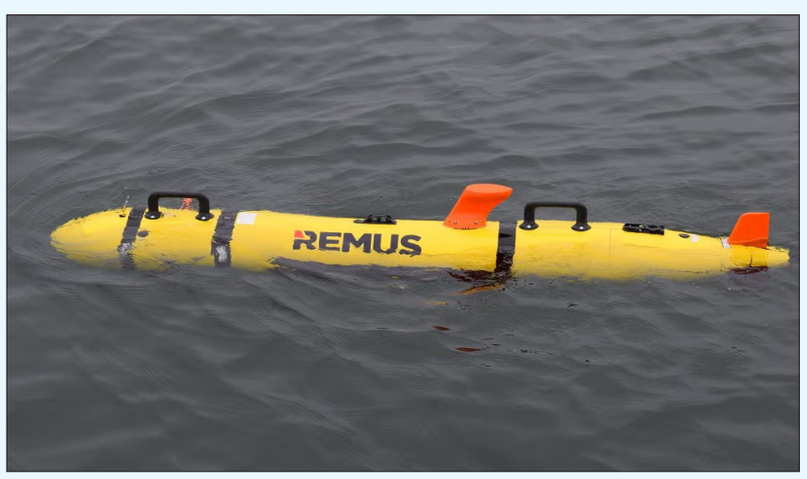
در خصوص مشخصات و مختصات دقیق زیرسطحی ۶۰۰REMUS باید بگوییم که این زیرسطحی که به مانند یک اژدر طراحی شده دارای طول ۴.۳ متر، قطر ۳۲.۴ سانتی متر، وزن ۲۴۰ کیلوگرم و میزان ماندگاری زیرآب به مدت ۷۰ ساعت را در صورتی که با سرعت ۵.۶ کیلومتر بر ساعت حرکت کند، دارد. البته این شناور توانایی رسیدن به سرعت نهایی ۹.۳ کیلومتر بر ساعت را نیز دارد. نیروی مورد نیاز برای این شناورهای زیرسطحی از باتری‌های لیتیومی تهیه می‌شود. برای نمونه باید گفت که در نمونه‌های بزرگ سری REMUS توانایی نصب و حمل باتری‌های بزرگ‌تر و حتی باتری‌های ذخیره وجود دارد که باعث افزایش میزان ماندگاری آنها در زیرآب می‌شود.

زیرسطحی بدون سرنشین ۶۰۰REMUS در نیروی دریایی ارتش ایالات متحده آمریکا با کد ۱۸ام ک شناخته شده و به آن لقب شاه ماهی داده شده است. اما نگاهی به ماموریت‌ها و توانایی‌های این سامانه نشان می‌دهد چرا به آن شاهی‌ماهی گفته می‌شود.

این سیستم با تفکر چند ماموریتی و برای انجام طیف گسترده‌ای از وظایف چه برای بخش نظامی و چه غیرنظامی، هم در آب‌های عمیق و هم در آب‌های کم عمق طراحی شده که همین مسئله در اصل باعث توسعه چندین مدل از آنها شده است.

سیستم سونار در ریموس ۶۰۰

یکی از ماموریت‌های مهم آن بحث نقشه برداری از کف دریا، مجهز به دوربین پایین‌نما برای تصویربرداری از محیط در عمق آب، همچنین سیستم‌های سونار در زوایای مختلف است. ذکر این مسئله بسیار مهم است که سیستم‌های سونار هم برای بحث نقشه برداری و هم خصوصا مسئله کشف اجسام مختلف در زیرآب از جمله مین‌ها دریایی، سیستمی راهبردی هستند. اصولا در زیرآب، سیستم سونار در وضعیت فعال بر پایه انتشار امواج صوتی و دریافت آنها، چشم اصلی زیرسطحی‌ها است. دریافت این امواج صوتی و آنالیز آنها در نوع برگشت کمک می‌کند تا بحث‌های نقشه برداری و کشف اجسام خاص انجام شود. با توجه به شرایط منطقه به نظر می‌رسد به احتمال بالا این شناور هم برای ماموریت کشف مین‌های ایرانی در خلیج فارس و تنگه هرمز حضور داشته است.



در تصاویر مربوط به شکار این زیرسطحی بدون سرنشین که توسط نیروی دریایی سپاه منتشر شده است یک نکته جالب وجود دارد و آن هم تصویری است که سپاه از دید یک شناور زیرآبی منتشر کرده است. شناوری که به بازوهای مکانیکی مجهز شده است. باید گفت که کشور ما و خصوصا نیروی دریایی سپاه در بحث شناورهای بی‌سرنشین زیرسطحی بی‌تجربه نبوده و سال‌هاست که محصولات مختلفی را نیز در این زمینه معرفی کرده است. این تصویر می‌تواند یک اشاره مهم به داشتن توانایی رصد و شکار سالم زیرسطحی بی سرنشین دشمن باشد که قابلیتی مهم و قابل توجه است.

شیخ نعیم قاسم:

صهیونیست‌ها نمی‌توانند در جنوب لبنان بمانند

شیخ نعیم قاسم، دبیرکل حزب‌الله لبنان در سخنانی در مراسم افتتاحیه موسسه حفظ و نشر آثار شهید حسن نصرالله گفت: تقویت ۲۳ ساله زیرساخت‌های جبهه مقاومت و تدوین نقشه راه عزت، آزادی و سعادت توسط شهید والامقام سید حسن نصرالله، میراثی راهبردی و جاودان را برای نسل‌های آینده به یادگار گذاشته است.

وی افزود: صیانت از این گنجینه گرانبها و ثبت اندیشه‌های والای فکری، فرهنگی، سیاسی و عملیاتی ایشان در قالبی گردآوری شده و دسته‌بندی‌شده، ضرورت حیاتی جبهه مقاومت به شمار می‌رود.

شیخ نعیم تاکید کرد: مدون‌سازی این میراث زنده و گردآوری آثار شفاهی و مکتوب ایشان، بستر بهره‌برداری عمیق پژوهشگران، دانشگاه‌ها و نهادهای راهبردی را فراهم ساخته و امتداد گفتمان مقاومت در عرصه عمومی و رسانه‌ای را تضمین می‌کند. رویکرد جهادی، رویکردی جامع است و ما باید این مضامین و جزئیاتی را که سید نصرالله در طول این دهه‌ها ارائه کرده است، جمع‌آوری و درک کنیم؛ جزئیاتی که به ما اجازه داده تا عملا قدرت واقعی در مقابله با چالش‌ها را تجربه کنیم.

دبیرکل حزب‌الله لبنان در ادامه گفت: تثبیت و استمرار ساختار عظیم مقاومت اسلامی در لبنان و منطقه، بر دو سرفصل راهبردی و بنیادین «پایبندی به اسلام ناب محمدی» و «تربیت بر مبنای فرهنگ جهاد» استوار شده است.

وی تاکید کرد: تبیین روزآمد و معاصر معارف اسلامی توسط شهید والامقام سید حسن نصرالله، الگویی جامع برای تربیت نسل‌ها و تحقق سعادت دنیوی و اخروی ارائه داده است.

شیخ نعیم گفت: نهادینه سازی روحیه و تربیت جهادی به عنوان رکن اصیل صیانت از عزت، حاکمیت، سرزمین و حقوق حقه ملت‌ها، تنها راهبرد کارآمد در مواجهه مستمر با جبهه استکبار و دشمنان امت اسلامی به شمار می‌رود.

دبیرکل حزب‌الله لبنان در ادامه تصریح کرد: مکتب جهاد کربلایی که بر پایه فداکاری و سیره امام حسین (ع) و پیام‌رسانی و ساختارسازی حضرت زینب (س) بنا شده، شالوده اصلی تربیت انسان‌های آزاده و احقاق حق در جامعه است. شهید سید حسن نصرالله با الهام از این آموزه‌ها و فرموده امام خمینی (ره)، فرهنگ عاشورا را نه فقط در ایام محرم، بلکه در سراسر زندگی جهادی خود عینیت بخشید و توانمندی موثری برای مواجهه با چالش‌های بزرگ ایجاد کرد.

وی افزود: در همین راستا، گردآوری، احصا و آسیب‌شناسی اندیشه‌ها و آثار شهید نصرالله به عنوان منشور تربیتی دهه‌های گذشته یک ضرورت اساسی است. در کنار فرهنگ جهاد عاشورایی، اصل «ولایت و ولایت‌مداری» نیز نه به عنوان یک مسئله نوظهور، بلکه به عنوان یکی از ارکان و اصول بنیادین دین، زیربنای حرکت جامعه اسلامی و جریان مقاومت قرار دارد.

دبیرکل حزب‌الله لبنان در ادامه گفت: تاکید بر «ولایت‌مداری» به عنوان رکن اصیل ایمان و پیوند ناگسستنی با منظومه اندیشه‌ای امام خمینی (ره) و رهبر انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، نقشه راه بنیادی مکتب سیدالشهدای مقاومت را ترسیم می‌سازد. در این منظومه جامع، باور راسخ به «آرمان مهدویت»، فرهنگ انتظار و تحقق وعده لایتغیر الهی در وراثت مستضعفان بر زمین، یقین به پیروزی نهایی جبهه حق بر مستکبران عالم را رقم زده است. علاوه بر این، نگاه راهبردی شهید سید حسن نصرالله به «وحدت امت اسلامی»، تعمیق برادری میان شیعه و سنی و ترسیم افق‌های والای همبستگی انسانی، پایگاهی فراملی و محبوبیت بی‌نظیری برای گفتمان مقاومت در سراسر جهان اسلام و میان تمامی آزادی‌خواهان بشریت پدید آورده است.

وی گفت: اگر بخواهیم مقاومت را در دوران مدرن تعریف کنیم، باید بگوییم که رهبر برجسته مقاومت، سید حسن نصرالله است، زیرا او پایه‌های دفاع و مقاومت را بنا نهاد و با همه مبارزان مقاومت در سراسر جهان برای تقویت وحدت و همکاری تلاش کرد.

شیخ نعیم قاسم بیان کرد: من به مردم عزیز عراق، مرجعیت آنها و نیروهای بسیج مردمی به خاطر موفقیت‌شان در اخراج اشغالگر آمریکایی از عراق درود می‌فرستم. آنها با فداکاری‌ها و پایداری خود توانستند اشغالگران آمریکایی را از کشور خود بیرون برانند.

وی افزود: آزادسازی جنوب لبنان در مقابل چشمان ماست و اسرائیل حتی پس از مدتی قادر به ماندن در جنوب نخواهد بود. این مقاومت که پایدار مانده است، نمونه‌ای افسانه‌ای از تاب‌آوری را به نمایش گذاشته است.

وی تصریح کرد: پایداری مقاومت، برکتی از سرور شهیدان امت و هدایت‌های او و از این ملت پاک و عزیز است. تا زمانی که تجاوز وجود دارد، مقاومت تداوم خواهد داشت. راه حل در خروج خفت‌بار دشمن و همراه آن آمریکا به عنوان حامی این رژیم است که با تمام توان از آن برای حمله به منطقه ما حمایت می‌کند.

شیخ نعیم قاسم گفت: در مورد مسائل داخلی لبنان، ما آماده همکاری هستیم، اما بدون دیکته‌های خارجی.

شیخ نعیم قاسم تاکید کرد: جنگ دورهای زیادی دارد، اما دور آخر متعلق به صاحبان حق سرزمین، کسانی است که راه مجاهدین و شهدا را دنبال می‌کنند. فداکاری‌های مردم فلسطین عظیم است و بی‌عدالتی اسرائیلی-آمریکایی-غربی خارق‌العاده و غیرطبیعی است. با این حال، با شرافت این مردم و فداکاری‌های‌شان، پیروزی حتمی است. از خداوند متعال می‌خواهم که آنها را در فلسطین اشغالی، در غزه، کرانه باختری و قدس موفق کند تا به بالاترین درجات و مقام‌ها برسند و آزاد شوند و دیگران را آزاد کنند.

اشاره بقایی به استانداردهای دوگانه پاریس

تناقض فرانسوی

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه روز سه‌شنبه ۱۴ مهر در پیامی در شبکه ایکس با اشاره به برخورد خشن نیروهای امنیتی فرانسه با اعتراضات دانش‌آموزی و رویکردهای دوگانه دولت فرانسه در قبال موضوع حقوق بشر، نوشت: فرانسه در ژانویه ۲۰۲۶ درباره ایران از ضرورت احترام به تجمع مسالمت‌آمیز بدون ترس از مجازات و خویشتنداری دولت در قبال تجمع‌کنندگان سخن گفت. مقامات فرانسه حتی با آگاهی از ترغیب به شورش و خشونت در خارج از مرزهای ایران و وجود گزارش حملات مسلحانه به مراکز انتظامی در ایران، از قیام مسالمت‌آمیز سخن گفتند.

وی خاطرنشان ساخت: اکنون در فرانسه اعتراض دانش‌آموزان، خشونت شهری خوانده می‌شود؛ وزیر کشور چندان با خویشتنداری موافق نیست و از مداخله سریع و قاطع نیروهای امنیتی و استفاده از زور برای برقراری نظم سخن می‌گوید و دولت نیز دستکاری سیاسی و نقش‌آفرینی جریان‌های چپ افراطی را عامل ناآرامی‌ها معرفی می‌کند. سخنگوی دستگاه دیپلماسی تصریح کرد: روشن است که خشونت علیه پلیس، آتش زدن و تخریب اموال عمومی قابل دفاع نیست و دولت موظف به برقراری امنیت و نظم عمومی است. اما تناقض در جای دیگری است: چرا همان رفتارها و همان معیارها، وقتی معترض در ایران است، یک‌گونه تفسیر می‌شود و وقتی معترض در فرانسه است، به گونه‌ای دیگر؟! بقایی تصریح کرد: مشکل، اعتراض نیست؛ مشکل، دوگانه‌شدن معیارها است. حقوق بشر و حق اعتراض اگر اصل‌اند، نباید با جغرافیای معترض تغییر کنند.



حجت‌الاسلام محمد قمی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی:

نصرالله، مقاومت را مسیر پیشرفت و عزت بشریت می‌دانست

قطعه ۲۰

نقل چهارشنبه‌ها
از آنها که ستون خیمه‌ها شدند

پروانگی پنج تن در غدیر چمران

مرضیه کیان، خبرنگار: پرده امشب، نقل خاندانی است که شادی عید غدیرشان با آتش کینه حرامیان پیوند خورد. فاطمه ایزدی و همسرش، به همراه سه غنچه بهشتی؛ هانیه، محمدعلی شیرخواره و زهرای ۹ ساله.

قصه دختری که گویی بوی رفتن را پیشتر از کبوتران حرم احساس کرده بود و پشت میز پنهان شد تا مبادا با پدربزرگ خود برود و از محفل پرواز جا بماند. تهران! سینه چاک بده و خوب نگاه کن؛ این نه روضه مصیبت، که نقشه غیرت، بزم شرف و تندیس عزت مردمی است که پای جان و آشیانه‌شان، شجاعانه تا عرش قد کشیدند.

رخصت بده تهران جان! رخصت بده و دمی غوغای آهن و دود را خاموش کن؛ چنارهایت را تکانی بده و گوش به زنگ این نقل بسپار. حکایت غریبی است وقتی بوی عود و گلاب و شیرینی عید، با سوز باروت و خاکستر تاخت می‌زند. شما قاضی! اگر نگوییم، حناق می‌شود توی گلو؛ بغض می‌شود، خشت می‌شود، سنگ می‌شود، می‌افتد روی گرده روحمان. پس گوش بسپار به نقالی بیستمین شب سوخته این دیار؛ شبی که پرده عید با آتش کینه دریده شد و آسمان، بر زمین بی‌گناه گریست.

شب، شب «عید الله الاکبر» بود؛ غدیر مرتضی علی (ع). از هر پنجره‌ای نوای شادباش و بوی اسپند بالا می‌رفت و شهرک چمران میان چراغانی کوچه‌ها، نفس می‌کشید. زندگی، با همان سادگی دل‌انگیز و بی‌ریایش در جریان بود. در یکی از همین خانه‌های روشن، سفره‌ای پهن بود از جنس حیا و صفا، به وسعت دلی که به نام مولا قرص بود. خاندان بهمن‌آبادی جمعشان جمع بود؛ فاطمه ایزدی، شیرزنی نجیب، مؤمن و دریادل، با هزار ذوق، سفره عید را آراسته بود. کنار او، مرد خانه، کوه غیرت و مدارا، ستون سقف آرزوهای‌شان بود. دور این ماه و خورشید، سه ستاره کوچک می‌چرخیدند؛ هانیه، خوش‌زبان و قند مکرر؛ محمدعلی، شیرخواره‌ای که هنوز دهانش بوی بهشت می‌داد و لبخندش، جان می‌بخشید و زهرای ۹ ساله، که گویی بوی رفتن را پیشتر از کبوتران حرم احساس کرده بود.

تهران! سینه چاک بده و خوب نگاه کن؛ این نه روضه مصیبت، که نقشه غیرت، بزم شرف و تندیس عزت مردمی است که پای جان و آشیانه‌شان، شجاعانه تا عرش قد کشیدند. ساعتی پیش از حادثه، پدربزرگ آمده بود تا زهرا را با خود ببرد. اما زهرا، با همان لحن کودکانه اما سنگین، شمرده و با صلابت گفت: «نمی‌آیم بابابزرگ... من امشب پیش بابا و مامان می‌مانم. نمی‌توانم تنهای‌شان بگذارم.» حاج آقا اصرار کرد، قربان صدقه‌اش رفتند، دستش را گرفتند، اما زهرا پایش به زمین چسبیده بود و دلش به آسمان پرواز می‌کرد. در دلمان انار پاره شد تهران! شما بگو، چه رازی در گوش روح این دخترزمزمه شده بود؟ او دانسته بود که پروانگی، پنج بال می‌خواهد و حلقه وصل این خانواده نباید بی او به معراج برود. زهرا ماند، اصرارها بی‌اثر شد، در خانه بسته شد و تقدیر، خط سرخ شهادت را در پیشانی این پنج نفر نگاشت.

ساعتی نگذشت که دیوان و ددان شب پرست، گرگ‌های روسیاه و کفتارهای صهیونیست، بار امانت کینه‌شان را بر سر شهر فرو ریختند. غرش آهن و آتش، خواب محله را درید و موشک متجاوزان، درست نشست بر تارک همین کاشانه باصفا. تهران! دیده‌ای کوهی با خاک یکسان شود؟ عمارتی که عطر هل و گلاب عید غدیرش تا هفت کوچه می‌رفت، در یک پلک زدن شد تلی از آوار و آتش و دود. ناگهان سکوت شب، شکسته شد؛ نه با صدای اذان، که با فریاد خشم و درد. خانه‌ای که تا لحظاتی پیش کانون عشق بود، به یک باره تبدیل به مقتل پاکان شد. اما دل بد نکن تهران! این خاکستر، بوی شکست نمی‌دهد؛ این بوی عود غیرت و شرف ایرانی است. کفتارها خیال کرده‌اند با کشتن طفل شیرخواره و غنچه‌های خندان، عزت این ملت خاکشیر می‌شود؟ زهی خیال باطل! غیرت زن و مرد این آب و خاک، چله‌هاست که در کوره‌های داغ و درفش آزموده شده و هر بار آبدیده‌تر، مقاوم‌تر و زلال‌تر سر برآورده است.

این همان خاکی است که دختر ۹ ساله‌اش پای پدر و مادر می‌ایستد و راه شهادت را با معرفت برمی‌گزیند؛ همان دیاری که مادرش در بزم خون، زینب‌وار پرچمدار نجابت می‌شود و پدرش، در هیاهوی آوار، در پی آرامش خانواده است.

مردم این سرزمین شاید دست‌شان از تجمل دنیا کوتاه باشد، شاید صورت‌شان با سیلی روزگار سرخ بماند، اما وقت غیرت که برسد، شیران ژیان عالمند. خون این پنج کبوتر خونین‌بال، بذری است که در رگ‌های یک ایران جوانه می‌زند. ما نه خستگی می‌شناسیم و نه داغ؛ این لاله‌ها از یادمان می‌رود. این واقعه، تنها یک فاجعه نبود؛ یک شهادت‌نامه بود که با خون زهرای ۹ ساله و محمدعلی شیرخواره امضا شد. هر قطره خونی که از این خانه به آسمان پاشیده شد، دعوتی بود برای بیداری وجدان‌های خفته.

تا وقتی این خاک، مادران فاطمی‌سرشت و فرزندانی با غیرت زهرا دارد، هیچ چکمه‌پوش حرامی و هیچ کفتار صهیونیستی خواب آسوده به چشم نخواهد دید. قصه این خانواده پنج‌نفره، از دیوارهای سیمانی شهر گذشت و به عرش رسید؛ اما پرچم عزت، مقاومت و سرکشی این ملت تا همیشه بر فراز بام‌هایت در اهتزاز خواهد ماند. این شهر، اگرچه عزادار است، اما زنده است؛ زنده به نفس شهیدانی که در هر کوی و برزن، رد پایشان به وسعت تاریخ باقی است. ما ایستاده‌ایم، تا آخرین نفس، تا آخرین قطره خون؛ چرا که این عهد، غدیری است که با خون ما بسته‌شده و تا ابد پابرجاست. تهران! سرت را بلند کن؛ این خانه آوار شده، امروز قبله‌گاه غیرت توست.



روایتی از فروپاشی هیمنه پوشالی رژیم صهیونیستی در سالروز «طوفان الاقصی»

هراس در تل‌آویو



تاریخ گاه در سکوت سنگین دهه‌ها ورق می‌خورد و گاه در یک بامداد غافلگیرکننده، آوار سال‌ها ستم تلنبارشده را بر سر سازندگان دیوارهای بتنی فرو می‌ریزد. سحرگاه هفتم اکتبر، صرفا یک تاریخ در تقویم نبردهای خاورمیانه نبود؛ نقطه انقطاع زمان بود؛ لحظه‌ای که در آن، ابهت آزمایشگاهی یک رژیم فوق پیشرفته درهم شکست و جغرافیای محصور غزه نشان داد حصارها هر اندازه بلند باشند، نمی‌توانند اراده زیستن و بازپس‌گیری حق را دفن کنند. غزه که سال‌ها در ادبیات رسانه‌ای غرب به عنوان بزرگ‌ترین زندان روباز جهان یا صرفا موضوعی برای بسته‌های معیشتی و کمک‌های بشردوستانه تقلیل یافته بود، ناگهان به فاعل مطلق دگرگونی معادلات منطقه‌ای بدل شد. «طوفان الاقصی» خروش انباشت خشم مردمی بود که نظم بین‌الملل، حذف تدریجی آنها را از نقشه جهان مفروض دانسته بود. این گزارش، بازخوانی ریشه‌های این فوران تاریخی، روانشناسی هراس وجودی اشغالگر و جوهره تباهی ناپذیر فرهنگی به نام «صمود» است.

برای فهم سحرگاه طوفان، باید چشم را از غبار باروت فراتر برد و به هندسه ۷۰ سال خفگی ساختارمند نگریست. غزه پیش از آنکه شلیک کند، سال‌ها بود که نفسش زیر باریکه‌ای از محاصره تام و تمام بریده می‌شد. بیش از دو میلیون انسان در باریکه‌ای ۳۶۰ کیلومتر مربعی محبوس بودند؛ جایی که کالری مصرفی روزانه مردمش توسط نظامیان اشغالگر با فرمول‌های ریاضی و در مرز گرسنگی مدیریت می‌شد، آب آشامیدنی‌اش در آستانه نابودی بود و آسمانش با پهپادهای شناسایی، شب و روز پایش می‌شد. نسل جدیدی در غزه بالیده بود که هرگز فراتر از سیم‌های خاردار را ندیده و طعم زندگی در افقی بدون تک‌تیرانداز را نچشیده بود.

اما ماجرا فراتر از نان و آب بود؛ قدس و کرانه باختری در سکوتی مرگبار در حال بلعیده شدن بودند. روزمرگی فلسطینیان بدل به هجوم شهرک‌نشینان مسلح به صحن‌های مسجدالاقصی، تخریب خانه‌ها با بیل‌های مکانیکی و تحقیر مداوم در ایست‌بازرسی‌ها شده بود. جهان عرب در تب‌وتاب عادی‌سازی روابط و امضای پیمان‌های تجاری، پرونده فلسطین را به بایگانی تاریخ سپرده بود و رسانه‌های غربی، رژیم اشغالگر را واحه دموکراسی در دل صحرا بازنمایی می‌کردند. طوفان الاقصی واکنشی بود به این حذف مطلق؛ فریادی انتحاری نبود، بلکه خروشی از دل ناامیدی مطلق بود تا به جهان یادآوری کند: تا زمانی که غزه در قفس است، هیچ نقطه‌ای در این جغرافیا طعم ثبات ساختگی را نخواهد چشید.

روزی که زمان متوقف شد

آنچه در هفتم اکتبر رخ داد، صرفا عبور از یک مرز فیزیکی نبود، بلکه انهدام هستی‌شناختی راهبرد امنیتی رژیم صهیونیستی بود. رژیمی که بر پایه اصل بازدارندگی مطلق، برتری اطلاعاتی موساد و شاباک و دیوارهای حائل مجهز به سنسور بنا شده بود، در عرض چند ساعت در برابر بولدوزر، موتورسیکلت و پاراگلایدرهای دست‌ساز به استیصال کشیده شد. سامانه‌های نظارتی چند میلیارد دلاری که حرکات کوچک‌ترین خزنده‌ای را رصد می‌کردند، در برابر اراده انسانی از کار افتادند. تصویر فروریختن برج‌های مراقبت و عبور جوانان غزه از حصارهای آهنین، نه تنها موازنه میدانی، بلکه موازنه روانی حاکم بر منازعه ۷۰ ساله را دگرگون کرد. هیمنه‌ای که دهه‌ها ارتش‌های عربی را مرعوب کرده بود، ظرف چند ساعت فروپاشید. جهان ناظر صحنه‌ای بود که تا پیش از آن در مخیله معاصر نمی‌گنجید: شکست‌پذیری قطعی ساختاری که ادعای آسیب‌ناپذیری داشت. پیام این روز روشن بود؛ امنیت وارداتی و سپرهای آهنین در برابر خشم اصیل یک ملت تحت اشغال، سرابی بیش نیستند.

وسواس تاریخی و تقلا در باتلاق هراس

پشت نقاب ویرانگری بی‌محابا و بمباران‌های جنون‌آمیز ماه‌های پس از طوفان، ترسی عمیق و وجودی نهفته است که ریشه‌هایش را باید در اعماق ذهنیت و حافظه تاریخی جریان صهیونیسم جست‌وجو کرد. در ادبیات رهبران و تاریخ‌نگاران عبری، سال‌هاست که ارواح گذشته پرسه می‌زنند؛ اشاره‌ای مستند و مکرر به یک اضطراب تاریخی ریشه‌دار: حکومت‌های پیشین یهود در اعصار باستان هرگز نتوانستند از آستانه ۸۰ سالگی عبور کنند و هر دو در دهه هشتم حیات خود بر اثر شکاف درونی و طوفان‌های پیرامونی به ورطه نابودی و تجزیه افتادند. سال‌ها پیش از هفتم اکتبر، چهره‌هایی از درون خود این ساختار (از نخست‌وزیران سابق تا تحلیلگران نظامی و جامعه شناسان تل‌آویو) نسبت به نزدیک شدن به نفرین دهه هشتم هشدار می‌دادند. آنها با نگاهی هراس‌آلود به سال‌های پایانی قرن اول تاسیس رژیم خود می‌نگریستند و این بار را پایانی قطعی و بی‌بازگشت قلمداد می‌کردند. واقعه طوفان الاقصی، این کابوس درونی را از صفحات کتاب‌های الهیاتی و تحلیل‌های سیاسی به واقعیتی عریان در برابر چشم‌شان بدل ساخت. خشونت عریان، بمباران بیمارستان‌ها، کشتار دیوانه‌وار زنان و کودکان و دست‌وپا زدن در بحران‌های هویتی و سیاسی داخلی، نه از موضع قدرت و تسلط، بلکه تجلی عینی این هیستری جمعی است؛ تقلایی جنون‌آمیز برای گریز از سرنوشتی تاریخی که خود در خلوت خویش آن را محتوم می‌دانند. آنها خوب می‌دانند شکافی که در دیوار هیمنه‌شان ایجاد شده، آغاز شکاف عمیق‌تری است که پایه‌های بقای‌شان را نشانه رفته است.

ریشه‌های نامیرا در مصاف آهن و بتن

در برابر منطق آپارتاید، اسلحه و تخریب، عنصر دیگری ایستاده است که موازنه‌ها را رقم می‌زند؛ فرهنگ مقاومت یا مفهوم دیرین «صمود» (پایداری). صمود در فلسطین صرفا یک اصطلاح حماسی نیست؛ سبک زیستن است. صمود یعنی مادری که برویرانه‌های خانه بتنی‌اش برای فرزندان باقیمانده‌اش نان می‌پزد؛ یعنی کودکی که کیف مدرسه‌اش را از زیر آوار بیرون می‌کشد؛ یعنی پزشکی که بیمارستان محاصره شده را ترک نمی‌کند تا با بیمارانش شهید شود.

این فرهنگ مقاومت، ریشه در خاک دارد، درست مانند درختان کهنسال زیتونی که دهه‌هاست توسط شهرک‌نشینان ریشه‌کن می‌شوند اما پیوندشان با هویت زمین گسستنی نیست. رژیم اشغالگر بر تسلیحات پیشرفته، تسلط هوایی و وتوی حامیان غربی تکیه دارد؛ اما در محاسبات نظامی خود همواره از درک عنصر انسان غافل مانده است. مقاومت فلسطین، نه یک گروه مسلح، بلکه اراده یک ملت برای بقاست. آنان آموخته‌اند که مرگ در راه خانه، باارزش‌تر از زیستن در تحقیر مداوم کمپ‌ها و گذرگاه‌هاست. این پیوند ناگسستنی میان ایمان، جغرافیا و هویت، همان راز تداومی است که غزه را با وجود خاکستر شدن کالبدش، به قلبی تپنده در وجدان بیدار بشریت بدل کرده است.

طوفان الاقصی تنها یک رویداد نظامی نبود؛ پایانی بود بر توهم همزیستی مسالمت‌آمیز با اشغالگری. هرچند ماشین جنگی رژیم صهیونیستی بخش اعظم غزه را به تلی از خاکستر و ویرانه بدل ساخت، اما نتوانست معادله اصیل این نبرد را تغییر دهد؛ جغرافیا مال مردم آن است و تاریخ را کسانی می‌نویسند که برای آزادی از همه چیز گذشته‌اند. هراس وجودی رژیمی که سایه پایان را در آینه تاریخ پیش روی خود می‌بیند، در برابر نسلی که مرگ را بر ذلت ترجیح داده، نوید بخش روزگاری نو در غرب آسیاست؛ روزگاری که در آن، دیوارهای اسطوره فرو ریخته و افق رهایی، بیش از هر زمان دیگری در دسترس قرار می‌گیرد.

آثاری برای فهم حقیقت فلسطین

برای درک عمیق‌تر آنچه در کالبد و روح فلسطین می‌گذرد و فهم لایه‌های پنهان طوفانی که رخ داد، بازگشت به ادبیات، پژوهش‌های تاریخی و مستندهای میدانی ضرورتی انکارناپذیر است:



پاکسازی نژادی فلسطین (The Ethnic Cleansing of Palestine) نوشته ایلان پاپه؛ این شاهکار پژوهشی نوشته مورخ شجاع و تجدیدنظرطلب اسرائیلی، نقاب از چهره تاریخ‌نگاری رسمی صهیونیسم برمی‌دارد. پاپه با استناد به اسناد محرمانه نظامی و آرشیوهای ثبت‌شده در سال ۱۹۴۸، مستند می‌کند که تشکیل این رژیم نه پاسخی به یک ضرورت تاریخی، بلکه طرحی از پیش طراحی‌شده موسوم به «طرح دالت» برای اخراج اجباری، قتل‌عام و محو بیش از ۵۰۰ روستای فلسطینی بوده است. این کتاب اثبات می‌کند که بحران فلسطین با هفتم اکتبر آغاز نشده، بلکه تداوم یک پاکسازی نژادی مستمر ۷۵ ساله است. قلم مستند پاپه به خواننده نشان می‌دهد که چگونه آوارگی میلیونی و اشغال، پایه بنیادین ساختار کنونی است و هر واکنشی در سال‌های بعد، نتیجه طبیعی این بی‌عدالتی اولیه بوده است.



بازگشت به حیفا اثر غسان کنفانی؛ رمانی کوتاه اما تکان‌دهنده از نویسنده و نظریه‌پرداز نامدار مقاومت فلسطین، که زخم‌های عمیق روحی اشغال را به تصویر می‌کشد. داستان حول محور سعید و صفیه می‌چرخد؛ زوج فلسطینی که در جریان سقوط حیفا در سال ۱۹۴۸ مجبور به فرار می‌شوند و نوزاد شیرخوار خود را در هیاهو جا می‌گذارند. پس از جنگ ۱۹۶۷، آنها به خانه قدیمی بازمی‌گردند تا ببینند کودکی که جا مانده، توسط یک زوج یهودی مهاجر از لهستان بزرگ شده و اکنون در لباس ارتش اشغالگر روبه‌روی پدر و مادر واقعی‌اش ایستاده است. کنفانی با این اثر، مفهوم وطن را فراتر از خاک و پیوند خونی تعریف می‌کند و به شکلی هنرمندانه و بی‌پیرایه، هویت، تقصیر تاریخی و لزوم مقاومت برای آزادی را تبیین می‌کند.



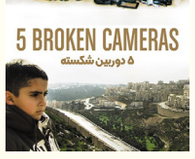
غزه مبارزه می‌کند برای آزادی از ابی مارتین؛ مستندی تکان‌دهنده به کارگردانی روزنامه‌نگار مستقل آمریکایی که به طور ویژه بر وقایع «راهپیمایی بزرگ بازگشت» در سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ تمرکز دارد. این فیلم نشان می‌دهد که چگونه سال‌ها پیش از هفتم اکتبر، هزاران جوان، پزشک، خبرنگار و فرد دارای معلولیت در غزه با دست خالی به سمت حصارهای مرزی رفتند تا صرفا حق بازگشت به خانه‌های اجدادی‌شان را فریاد بزنند، اما با شلیک مستقیم تک‌تیراندازان ارتش مواجه شدند. ابی مارتین با تکیه بر شهادت‌های مستند میدانی، کادر درمان و خانواده‌های شهدا، به وضوح به جهانیان نشان می‌دهد که چگونه تمام مسیرهای اعتراضی مسالمت‌آمیز توسط آپارتاید مسدود شد و چطور استیصال ناشی از بی‌عملی جهان، زمینه را برای طوفان بزرگ فراهم آورد.



فرحه به کارگردانی دارین سلام؛ فیلمی صمیمی، نفسگیر و عمیقا انسانی که بر پایه روایتی واقعی از روزهای نکبت ۱۹۴۸ ساخته شده است. داستان دختربچه ۱۴ ساله‌ای به نام فرحه را روایت می‌کند که رویای ادامه تحصیل در شهر را دارد، اما با ورود باندهای تروریستی صهیونیست به روستا، پدرش او را برای محافظت در یک انبار ذخیره غذا حبس می‌کند. تمام جهان فیلم از دریچه شکاف در این انبار روایت می‌شود؛ جایی که فرحه شاهد قتل‌عام همسایگان، شلیک به نوزادان و نابودی بی‌پناهی تمام دنیای کودکی‌اش است.

«فرحه» بدون افتادن در دام شعارهای سطحی، به زیباترین شکل حس محبوس شدن و تماشای اجباری ظلم را بازآفرینی می‌کند و ریشه‌های هویتی کینه‌ای تاریخی را بازمی‌تاباند.





پنج دوربین شکسته اثر عماد برناط و گای داویدی؛ این مستند درخشان و نامزد جایزه اسکار، روایتی اول شخص و مستند از مبارزه بدون خشونت اهالی روستای «بلعین» در کرانه باختری علیه ساخت دیوار حائل است. عماد برناط، کشاورزی ساده، با خرید یک دوربین تولد فرزندش را ثبت می‌کند، اما دوربین او ناخواسته به سند مقاومت روستا در برابر بولدوزرهای ارتش بدل می‌شود. ر دوربین در جریان سرکوب، شلیک گاز اشک‌آور و گلوله‌های جنگی سربازان خرد می‌شود و عماد دوربین دیگری تهیه می‌کند.

این مستند پنج فاز از زندگی، شهادت دوستان و پایداری اهالی را نشان می‌دهد و نمادی بی‌نظیر از این حقیقت است که حتی اگر چشم حقیقت‌بین گلوله بخورد، اراده ثبت جنایت و مقاومت هرگز خاموش نخواهد شد.

مترجم «خاطراتی از پدرم»:

تغییر «حفظه‌الله» به «قَدَس‌الله» دردناک‌ترین بخش ترجمه بود

جهان، شهید سید حسن نصرالله را با صلابت بیانیه‌ها، هیبت سخنرانی‌های شورانگیز و مدیریت مدبرانه جبهه مقاومت می‌شناسد؛ اسطوره‌ای تکرارنشدنی در عرصه سیاست و مبارزه. اما در ورای سنگر جهاد و سیاست، مردی با روحی سرشار از عاطفه، ایمان و مهرپدری زندگی می‌کرد.

موسسه انتشارات امیرکبیر، کتاب «خاطراتی از پدرم» ترجمه فارسی اثر خواندنی «ذکریاتی مع أبی» به قلم سید محمدمهدی نصرالله (فرزند شهید سید حسن نصرالله) را روانه بازار نشر کرده است. اثری که پرده از ابعاد مغفول، عاطفی و خانوادگی این رهبر بزرگ برمی‌دارد و الگوپذیری از زیست مؤمنانه و تربیتی او را برای نسل امروز ممکن می‌سازد.

بشری صاحبی، مترجم کتاب «خاطراتی از پدرم» در گفت‌وگو با خبرنگار «مهر» درباره ابعاد تازه این اثر گفت: این اثر که به همت انتشارات امیرکبیر منتشر شده، در واقع ترجمه کتاب «ذکریاتی مع أبی» نوشته سید محمدمهدی نصرالله، فرزند ارجمند شهید است. این اثر شامل خاطرات صمیمی و ناگفته ایشان با پدر بزرگوارشان است. ویژگی شاخص کتاب این است که بیش از بعد سیاسی شناخته‌شده شهید سید حسن نصرالله به‌عنوان دبیرکل حزب‌الله، به ابعاد خانوادگی، عاطفی و ایمانی ایشان می‌پردازد. همان طور که سید محمدمهدی نصرالله در مقدمه کتاب نیز اشاره کرده‌اند، تلاش اصلی این اثر شناساندن ابعاد نادیده شخصیت والای سید حسن نصرالله است. این رویکرد دیدگاهی کاملا تازه و ملموس از این شخصیت بزرگ، الهام‌بخش و تکرارنشدنی به مخاطب می‌دهد و از جهت الگوگیری در ساحت خانواده و روابط شخصی، بسیار ارزشمند و کارگشاست.

صاحبی با اشاره به فرآیند ترجمه اثر و ویژگی‌های ادبی متن اصلی از زبان فرزند شهید، بیان کرد: متن عربی کتاب نثری فوق‌العاده روان، دلنشین و شیوا داشت. از منظر نگارشی، کتاب بسیار خوش‌خوان است و همین ویژگی باعث شد که من در تمام طول فرآیند ترجمه، از خواندن و بازآفرینی متن به زبان فارسی لذت ببرم. کلمات با صمیمیت و عشقی فرزندانه به رشته تحریر درآمده‌اند که بی‌واسطه بر دل می‌نشیند.

مترجم کتاب «خاطراتی از پدرم» از همزمان شدن ترجمه این اثر با روزهای تلخ شهادت رهبر شهید، اظهار کرد: دردناک‌ترین و سخت‌ترین بخش کار دقیقا در مرحله ویرایش نهایی رخ داد. من کل فرآیند ترجمه متن را پیش از واقعه شهادت آقا (رهبر شهید) به پایان رسانده بودم و طبیعتا در طول متن با دقت و حساسیت فراوان، عبارات «حفظه‌الله» را برای رهبر عزیزم به کار برده بودم، اما پس از شهادت جانسوز ایشان، وقتی برای ویرایش نهایی به متن بازگشتم، ناچار بودم تمام آن واژه‌ها را به عباراتی چون «قدس‌الله نفسه الزکیه» تغییر دهم. ویرایش این عبارات و مواجهه با حقیقت فقدان ایشان، بی‌نهایت سخت و دردناک بود.

صاحبی در پایان افزود: همنشینی با این اثر برای من تجربه‌ای معنوی و بسیار شیرین بود و امیدوارم خواندن آن نیز برای مخاطبان گرامی دلنشین، اثرگذار و راه‌گشا باشد.



احمد مسجدجامعی، قائم‌مقام رئیس مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی:

«سرمایه‌گذاری روی خاطره» اتفاقی است که در تهران امروز در حال شکل‌گیری است

دبیر علمی همایش «فرهنگ، رسانه و تحولات نسلی در ایران» در گفت‌وگو با «آگاه»:

هر نسل، محصول زمانه خود است

مسئله اصلی فناوری نیست؛ ناتوانی ما در ایجاد گفت‌وگو است



زهرا بذرافکن- خبرنگار گروه فرهنگ: دگرگونی‌های ارتباطی دردهه‌های اخیر، سازوکار جامعه‌پذیری را از نهادهای سنتی مانند خانواده و نظام آموزشی به سوی اکوسیستم‌های الگوریتمی و شبکه‌های اجتماعی سوق داده است. بر خلاف نسل های گذشته که فناوری را ابزاری بیرونی برای تسهیل امور می دیدند، زیست نسل جدید در درون ساختارهای دیجیتال تنیده شده است؛ وضعیتی که در جامعه‌شناسی ارتباطات از آن به عنوان شکل‌گیری «موقعیت نسلی متمایز» یاد می شود. در این فضا، پلتفرم های تعاملی نقشی بنیادین در صورت بندی زیست بوم ادراکی، الگوهای معنابخشی و حافظه جمعی نو ایفا می‌کنند. بر همین اساس، تمایز میان نسلی امروز دیگر فقط ناشی از شکاف تقویمی یا اختلاف سنی متداول نیست، بلکه از دگرگونی در کدهای فرهنگی، شیوه بازنمایی هویت و ساختار تعاملات اجتماعی سرچشمه می گیرد. شناخت دقیق این دگردیسی ساختاری، پیش‌شرط بنیادین گذر از رویکردهای آسیب‌شناختی تقلیل‌گرایانه، طراحی سیاست گذاری های واقع‌گرایانه فرهنگی و ایجاد مفاهمه میان نسلی در جامعه شبکه به شمار می‌رود.

در همین چارچوب، «دومین همایش ملی فرهنگ، رسانه و تحولات نسلی در ایران؛ از جهان واقعی تا جهان مجازی» با مجوز پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) و به همت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ۱۴ مهر ۱۴۰۵ در سالن تمدن این پژوهشگاه برگزار می‌شود. این رویداد ملی با محورهای سه‌گانه «رسانه، نسل و جهان ایرانی»، «رسانه، نسل و دانش و فناوری» و «رسانه، نسل و سیاست گذاری» به بررسی دگرگونی های مصرف رسانه‌ای، رد پای الگوریتم ها و هوش مصنوعی، سیاست گذاری فضای مجازی و مرجعیت رسانه‌ای نسل ها می‌پردازد.

دکتر معصومه تقی زادگان، دبیر علمی این همایش در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه»، ضمن تشریح ضرورت های پرداختن به این مسئله، بر این نکته تاکید کرد که تحولات نسلی را نمی‌توان بدون شناخت دگرگونی های رسانه‌ای و تجربه زیسته در فضای مجازی تحلیل کرد، چرا که مرز میان جهان واقعی و جهان مجازی برای نسل جدید سیال شده است. وی معتقد است ریشه فاصله میان‌نسلی کنونی، در پیوند با «شکاف رسانه‌ای» شکل گرفته و مسئله اصلی نه خود فناوری، بلکه ناتوانی ساختارها و والدین در برقراری گفت‌وگو در بستر جدید است؛ لذا در صورت گذر از نگاه نظارتی یا مصرفی، رسانه می‌تواند به پلی برای پیوند میان‌نسلی بدل شود.

در ادامه، گفت‌وگوی «آگاه» با دبیر علمی همایش را می‌خوانید:

■ چه ضرورتی باعث شد دومین دوره همایش را به موضوع «فرهنگ، رسانه و تحولات نسلی: از جهان واقعی تا جهان مجازی» اختصاص دهید و در جامعه امروز ما چه تغییری رخ داده که پرداختن به این مسئله تا این حد حیاتی شده است؟

واقعیت این است که دیگر نمی‌توان تحولات نسلی را فقط بر اساس تفاوت های سنی یا تجربیات مشترک یک نسل توضیح داد. چون رسانه های جدید و به‌ویژه فضای مجازی، به یکی از مهم‌ترین عوامل شکل دهنده هویت، سبک زندگی، ارزش ها، روابط اجتماعی و حتی شیوه فهم ما از جهان تبدیل شده‌اند. تحولات نسلی را باید در بستر تحولات رسانه و تجربه‌های جدید فضای مجازی شناخت.

نکته دیگر اینکه بخش زیادی از زندگی اجتماعی ما به فضای مجازی منتقل شده است. نسل های جدید در شرایطی رشد می کنند که مرز میان جهان واقعی و جهان مجازی برای آنها بسیار سیال است. آنها همزمان در خانواده، مدرسه، دانشگاه و جامعه و نیز در شبکه‌های اجتماعی، پلتفرم‌های دیجیتال و اجتماعات مجازی هویت و تجربه اجتماعی خود را شکل می‌دهند. بنابراین، اگر بخواهیم تحولات فرهنگی و نسلی جامعه را بشناسیم، دیگر نمی‌توانیم جهان مجازی را به عنوان یک حوزه فرعی یا حاشیه‌ای در نظر بگیریم بلکه باید محور مطالعه و شناخت باشد. ضرورت برگزاری این همایش برآمده از این مسائل بود.

■ امروز بسیاری از والدین احساس می‌کنند رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی فاصله زبانی و ارزشی عمیقی میان آنها و فرزندان‌شان ایجاد کرده‌اند؛ رسانه‌ها چقدر در ایجاد این غریبگی بین‌نسلی نقش داشته‌اند و چطور می‌توانند به جای گسست، به ابزاری برای گفت‌وگو و درک متقابل تبدیل شوند؟

بله رسانه های جدید رابطه نسل ها را تغییر داده است. شیوه گفت وگو، انتقال ارزش ها، اقتدار والدین و نهادهای سنتی، الگوهای یادگیری تغییر کرده است. لذا بخشی از آنچه به عنوان «شکاف نسلی» می شناسیم، اکنون در پیوند با «شکاف رسانه‌ای» و تفاوت در تجربه زیسته نسل ها از رسانه معنا پیدا می کند. اما نباید والدین فضای رسانه‌ای جدید را صرفا تهدید ببینند و فرزندان نیز تجربه و ارزش های نسل والدین را صرفا متعلق به گذشته تلقی کنند.

مسئله اصلی در اینجا، خود فناوری نیست بلکه مسئله، ناتوانی ما در ایجاد گفت‌وگو در شرایط جدید است. رسانه اتفاقا می‌تواند مانند یک پل بین نسلی باشد. به شرطی که از نگاه صرفا مصرفی یا نظارتی به رسانه عبور کنیم و آن را به بستری برای مشارکت و گفت‌وگو تبدیل کنیم. مثلا والدین اگر به جای آنکه فقط درباره مدت استفاده فرزند از شبکه های اجتماعی سوال کنند، درباره اینکه چه محتوایی می بیند، چرا برایش جذاب است، چه کسانی را دنبال می کند و چه برداشتی از آن دارد با او گفت‌وگو کنند، عملا وارد جهان ذهنی فرزند خود می‌شوند.

■ زیست مداوم در بستر شبکه‌های اجتماعی و فناوری‌های نوین، چطور نگاه نسل جدید به زندگی، روابط انسانی و الگوهای مصرف را نسبت به نسل‌های پیش از خود متحول کرده است؟

در حوزه روابط انسانی، یکی از مهم‌ترین تغییرات، سرعت و گستره ارتباطات است. نسل جدید می‌تواند همزمان با افرادی در فاصله‌های بسیار دور ارتباط برقرار کند، اجتماعاتی را تجربه کند که لزوما بر جغرافیا استوار نیستند و بخشی از هویت و روابط اجتماعی خود را در فضای مجازی شکل دهد. در نتیجه، مفهوم دوستی، حضور، حریم خصوصی و حتی تعلق اجتماعی برای این نسل تا حدی معنای متفاوتی دارد.

نکته دیگر آنکه نسل جدید بیش از گذشته در معرض روایت‌ها و سبک‌های زندگی متنوع قرار دارد. با یک تلفن همراه، فرد می‌تواند با شیوه‌های مختلف زندگی، فرهنگ‌ها، الگوهای موفقیت و انتخاب‌های متفاوت مواجه شود. لذا مقایسه اجتماعی، تصور فرد از موفقیت و حتی انتظارات او از زندگی دیگر فقط از محیط نزدیکش شکل نمی‌گیرد بلکه متاثر از جهانی بسیار گسترده‌تر مجازی است.

در حوزه مصرف هم تحولات نسلی بسیار محسوس است. مصرف برای نسل جدید فقط پاسخ به نیاز نیست؛ در بسیاری از موارد با هویت، سبک زندگی و نوعی ابراز خود نیز پیوند خورده است. شبکه‌های اجتماعی با معرفی مداوم کالاها، تجربه‌ها و سبک‌های زندگی، مرز میان «محتوا»، «تبلیغ» و «مصرف» را کم‌رنگ‌تر کرده‌اند. امروز ممکن است فرد پیش از آنکه احساس نیاز کند، از طریق یک محتوا یا توصیه یک چهره رسانه‌ای با یک محصول یا سبک زندگی مواجه شود و سپس احساس نیاز در او شکل بگیرد.

در تحلیل نسل‌ها نباید به دام کلیشه‌هایی مانند «نسل جدید سطحی‌تر شده» یا «نسل‌های گذشته عمیق‌تر بودند» بیفتیم. هر نسل محصول شرایط تاریخی، اقتصادی، فرهنگی و تکنولوژیک زمانه خود است. آنچه اهمیت دارد این است که فناوری‌های جدید، محیطی متفاوت برای رشد و انتخاب نسل جدید ایجاد کرده‌اند و ما باید منطق این محیط را بشناسیم.



مسئله اصلی خود فناوری نیست بلکه مسئله، ناتوانی ما در ایجاد گفت‌وگو در شرایط جدید است. رسانه اتفاقا می‌تواند مانند یک پل بین‌نسلی باشد

در تحلیل نسل‌ها نباید به دام کلیشه‌هایی مانند «نسل جدید سطحی‌تر شده» یا «نسل‌های گذشته عمیق‌تر بودند» بیفتیم. هر نسل محصول شرایط تاریخی، اقتصادی، فرهنگی و تکنولوژیک زمانه خود است. آنچه اهمیت دارد این است که فناوری‌های جدید، محیطی متفاوت برای رشد و انتخاب نسل جدید ایجاد کرده‌اند و ما باید منطق این محیط را بشناسیم

برگزیدگان یازدهمین جشنواره خاتم (ص) معرفی شدند



در آیین اختتامیه یازدهمین دوره جشنواره خاتم (ص) برگزیدگان آن در بخش‌های کودک و نوجوان، دانش‌آموزی، بزرگسال، داستانک، رمان و طرح رمان معرفی شدند.

به گزارش «مهر» آیین اختتامیه یازدهمین دوره جشنواره خاتم (ص) سه شنبه ۱۴ مهر ۱۴۰۵ با حضور محسن جوادی معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ابراهیم حیدری مدیرعامل خانه کتاب و ادبیات ایران، حامد علامتی مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و محمدرضا شرفی‌خبوشان دبیر علمی این دوره از جشنواره، در سرای اهل قلم برگزار شد و طی آن از برگزیدگان به شرح زیر تقدیر به‌عمل آمد.

کودک و نوجوان

هیات داوران بخش کودک و نوجوان پس از بررسی، از میان ۵۱۸ اثر رسیده به دبیرخانه و ۲۶ اثر راه‌یافته به مرحله نهایی، برگزیدگان این بخش را به این شرح اعلام کرد:

در حوزه داستان نوجوان، داستان کوتاه «بال تازه‌ای برای عمیر» نوشته هدا حشمتیان، داستان کوتاه «نامه‌ای که نرسیده» نوشته الهام فخری و داستان بلند «شاگرد ادویه‌فروش» نوشته محمد قاسمی‌شادهی شایسته تقدیر شناخته شدند.

در این بخش هیچ اثری شایسته دریافت رتبه شناخته نشد. بخش داستان کودک نیز هیچ اثری شایسته دریافت رتبه و تقدیر نداشت.

دانش‌آموزی

در این بخش داستان «نوری در تاریکی» نوشته الینا نوری نهاد شایسته تقدیر حوزه داستان کودک دانش‌آموزی شناخته شد و داستان «یک شرط عجیب» نوشته ثمین عمیدی فر رتبه سوم این حوزه را به دست آورد. هیات داوران در این بخش هیچ اثری را شایسته دریافت رتبه اول و دوم نشناختند.

حوزه داستان نوجوان دانش‌آموزی سه اثر شایسته تقدیر داشت؛ داستان «یک دانه خرما» نوشته یلدا رئوفی، داستان «قانون پروفایل مرکزی» نوشته محدثه جهرمی و داستان «بت‌های نازنین» نوشته پرنیان هاشمی.

داستان «نقطه صفر» نوشته فاطمه باقرزاده رتبه اول، داستان «تک صندلی» نوشته آدرینا زندسلیمی رتبه دوم و داستان «وزنه» نوشته پارسا قاسمی رتبه سوم این بخش را به دست آوردند.

بزرگسال

هیات داوران بخش داستان کوتاه بزرگسال از میان ۲۰۸ اثر رسیده به دبیرخانه و ۲۲ اثر راه‌یافته به مرحله نهایی، چهار اثر را شایسته تقدیر شناخت: داستان کوتاه «نورامید» نوشته آسیه رحمتی، داستان کوتاه «دوروی سکه» نوشته فاطمه علیزاده، داستان کوتاه «وردست» نوشته زهرا احمدی و داستان کوتاه «اگر کفنی داشتم» نوشته مرتضی فرجی.

در همین بخش «خاکستر» نوشته هدی اسکندری، «میان شمشیر و آتش» نوشته خدیجه سبزیان رتبه دوم و «آتشی در برکه» نوشته فاطمه یونسی به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم را به دست آوردند.

داستانک

هیات داوران بخش داستانک از میان ۱۳۳ اثر رسیده به دبیرخانه، سه اثر را شایسته تقدیر شناخت: «نشانه» نوشته افسانه داودپور، «ریشه های سرخ» نوشته پوریا اسکندرزاده و «زیر شاخه های درخت زردآلو» نوشته حدیثه قهرمانی.

رمان

هیات داوران بخش رمان نیز از میان ۱۰ اثر رسیده به دبیرخانه، هیچ اثری را شایسته رتبه نشناخت و از رمان «صبا تا سبا» نوشته محمدرضا پستک تقدیر کرد.

طرح رمان

داوران بخش طرح رمان نیز از میان ۳۷ طرح رسیده به دبیرخانه، پنج طرح را شایسته تقدیر شناختند که اسامی آنها به این شرح است: «سفیر محمد» نوشته بابک حیدری، «ریشه‌ها» نوشته رقیه کریمی، «کالیبر ۳۸» نوشته سهیلا سپهری، «در سایه مرز» نوشته سمانه قائینی و «فصل اول زمستان» نوشته معصومه کریمی.

روایتی از یک قرن تصمیم‌های مناقشه‌برانگیز در آکادمی سوئد

جنجال‌های بی‌پایان، به نوبل ادبیات اعتبار بخشیده‌اند

سایمون کوپر، روزنامه نگار و ستون نویس بریتانیایی در گزارشی تازه در فایننشال تایمز به بررسی تاریخچه جایزه نوبل ادبیات، یکی از معتبرترین جوایز ادبی جهان، پرداخته و روند انتخاب برندگان این جایزه را در طول بیش از یک قرن مورد توجه قرار داده است.

این روزنامه نگار با اشاره به جنجال های همیشگی پیرامون این جایزه از آغاز آن در سال ۱۹۰۱ تا کنون می نویسد: آلفرد نوبل، صنعتگر و مخترع سوئدی دینامیت، نویسنده‌ای پرشور اما معمولی بود که نمایشنامه‌ای با صحنه شکنجه‌ای طولانی در کارنامه داشت. وصیت‌نامه دست‌نویس او در سال ۱۸۹۵، برخلاف میل بستگان چشم به راه ارث، بنیان پنج جایزه از جمله ادبیات را گذاشت. نوبل خواسته بود این جایزه به اثری در «جهتی آرمان‌گرایانه» برسد؛ عبارتی مبهم که آکادمی سوئد دهه‌ها برای فهمیدنش کلنجار رفت و سرانجام کنارش گذاشت. هرساله در اوایل اکتبر، در تالار طلاکاری شده استکهلم گشوده می‌شود و دبیر دائم آکادمی برنده را معرفی می‌کند؛ رویدادی که پس از درخشش لاسلو کراسناهورکای، رمان‌نویس مجارستانی، بازارهای پیش‌بینی را برای چهره‌هایی چون آمیتو قوش هندی، چان شوئه چینی و توماس پینچن آمریکایی داغ کرده است، هرچند تحلیلگران معمولا حدس‌های درستی نمی‌زنند.

داوری‌های استکهلم همیشه زیر تیغ نقد

نوبل همواره هدف طعنه و انتقاد بوده است. چینوئیزو ایکوه، شاعر و منتقد نیجریه‌ای، قضاوت داوران سوئدی درباره تعالی فکری جهان را نشانه خودبزرگ‌بینی می‌دانست. تیم پارکس، رمان‌نویس و مترجم بریتانیایی، نیز این پرسش را پیش کشید که چگونه داوران سوئدی شاعری از اندونزی را با رمان‌نویسی از کامرون مقایسه می‌کنند، در حالی که آثار هر دو را تنها در ترجمه خوانده‌اند. با این حال، به گفته دانیل مدین، استاد ادبیات تطبیقی، نوبل بی‌رقیب‌ترین جایزه ادبی جهان است؛ سنتی دیرپا که کل کارنامه نویسنده را می‌سنجد و سلیقه ادبی دنیا را شکل می‌دهد.

شکوه نوبل همواره با نگاه محدود داوران در تضاد بوده است. اعضای مادام‌العمر آکادمی سوئد (هجده نفر) ادیبانی هستند که گاهی خارج از سوئد شناخته شده نیستند و تا سال‌ها زنان سهمی میان‌شان نداشتند. مایکل سولمان، مدیر اجرایی پیشین بنیاد نوبل، خطر «نوبل‌زدگی» را یادآوری می‌کند؛ وضعیتی که داوران بزرگی جایزه را با بزرگی خود اشتباه می‌گیرند. جالب آنکه سوئد هشت بار نوبل برده؛ رقمی فراتر از سهم قاره‌های آسیا، آفریقا یا آمریکای لاتین.

نادیده گرفتن چندباره غول‌های ادبیات جهان

نخستین دوره در سال ۱۹۰۱ با نادیده گرفتن لئو تولستوی، رمان‌نویس نامدار روس و انتخاب سولی پرودوم، شاعر فرانسوی، پر از جنجال شد. در حالی که غول‌هایی چون جیمز جویس ایرلندی، فرانتس کافکای چک، ویرجینیا وولف بریتانیایی، مارسل پروست فرانسوی و کنستانتین کوافی یونانی هرگز نوبل نگرفتند، دبیرانی مانند کارل دیوید آف ویرسن، شاعر و دبیر دائم آکادمی، وظیفه خود را فقط ستایش بزرگان اروپا می‌دانستند؛ نگاهی که حضور رابیندرانات تاگور، ادیب هندی، را در سال ۱۹۱۳ تنها به خاطر ترجمه انگلیسی اشعارش پذیرفت.

نوبل با سینکلر لوئیس، رمان‌نویس آمریکایی، برای نخستین بار به آمریکا رفت؛ هرچند گزینش پرل باک، رمان‌نویس آمریکایی، چندان موفق نبود و چهره‌هایی چون رودولف اویکن، فیلسوف آلمانی و پاول فون هایزه، نویسنده آلمانی، از یادها رفتند؛ امری که به باور دانیل مدین گریزناپذیر است، چراکه بیشتر نویسندگان درگذر زمان کمرنگ می‌شوند.

سایه سنگین سیاست بر انتخاب‌ها

به روایت شل اسپمارک، پژوهشگر و رئیس پیشین کمیته نوبل، آکادمی دوره‌های متفاوتی را پشت سر گذاشت؛ از درخشش پس از جنگ با انتخاب هرمان هسه (نویسنده آلمانی)، آندره ژید (رمان نویس فرانسوی)، تی. اس. الیوت (شاعر بریتانیایی) و ویلیام فاکنر (رمان‌نویس آمریکایی)، تا چالش‌های سیاسی. در حالی که لوئیجی پیراندلو، نمایشنامه‌نویس ایتالیایی، جایزه برد، مواضع ازرا پاوند، شاعر آمریکایی، مانع دریافت نوبل شد. در جنگ سرد، گزینش نویسندگان شوروی مانند بوریس پاسترناک (شاعر روس)، الکساندر سولژنیتسین (نویسنده معترض روس) و جوزف برودسکی (شاعر روس-آمریکایی) تنش‌های دیپلماتیک ساخت؛ پاسترناک جایزه را پس زد و ژان پل سارتر، فیلسوف فرانسوی، نیز آن را رد کرد.

از دهه ۱۹۸۰، سازوکار انتخاب‌ها دقیق‌تر شد. زبان انگلیسی در این مسیر اهمیت زیادی یافت و ترجمه نقشی تعیین‌کننده پیدا کرد؛ چنان‌که مترجمان نلی زاکس، شاعر آلمانی‌زبان، پابلو نرودا، شاعر شیلیایی و مویان، رمان‌نویس چینی، همگی عضو آکادمی بودند. رسوایی سال ۲۰۱۷ نیز این نهاد را لرزاند و پس از تعطیلی یک‌ساله، آکادمی با حضور بیشتر زنان احیا شد که اهدای جایزه به اولگا توکارچوک، رمان‌نویس لهستانی، آغازگر این تحول بود.



اعلام برنده، بازار جهانی کتاب را دگرگون می‌کند

روایت‌های برندگان نیز شنیدنی است؛ جان اشتاین‌بک، رمان‌نویس آمریکایی، خود را شایسته ندانست، ساموئل بکت، نمایشنامه‌نویس ایرلندی، پنهان شد، دوریس لسینگ، رمان‌نویس بریتانیایی، با بی‌حوصلگی خبر را شنید، پیتر هاندکه، نویسنده اتریشی، پیشتر خواهان لغو جایزه شده بود و باب دیلن، ترانه سرای آمریکایی، هفته‌ها اعتنایی نکرد. با همه اینها، «اثر نوبل» فروش کتاب‌ها را هزاران درصد افزایش می‌دهد و ناشران مستقل را سرپا نگه می‌دارد. در روزگار افول نقد ادبی، اعلام برنده نوبل همچنان چراغ ادبیات را در جهان روشن نگه می‌دارد.



علیرضا زاکانی، شهردار تهران خبر داد

اجرای طرح «تورم صفر» در ارومیه، مشهد و اهواز

در دولت وفاق و همدلی

فدراسیون فوتبال، نه وفاق دارد نه همدلی



محمود احمدی، خبرنگار ورزشی: برنامه دوشنبه شب فوتبال برتر که قرار بود مجالی دست بدهد برای مطرح کردن انتقادات منتقدین و پاسخگویی مسئولان فوتبال برای رسیدن به راه‌حلی برای حل مشکلات موجود، متاسفانه تبدیل شد به محلی برای توهین، پرده‌دری و تسویه حساب‌های شخصی دو تن از اعضای هیات رئیسه فدراسیون فوتبال.

مجید جلالی و امیر واعظ آشتیانی به عنوان کارشناس و منتقد و علی خطیر و امیرمهدی علوی از اعضای هیات رئیسه فدراسیون فوتبال به عنوان پاسخگو در این برنامه حضور پیدا کردند و به بیان دیدگاه‌های خود پرداختند. اما وقتی حجت کریمی دیگر عضو هیات رئیسه فدراسیون مهمان تلفنی برنامه شد، بحث و جدل او با علی خطیر کار را به جاهای باریک رساند و باعث شد فوتبال دوستان متوجه اختلافات موجود بین دوستان در مجموعه فدراسیون فوتبال بشوند. در این میان حرف‌های رد و بدل شده بین این دو نفر اصلا زیبنده یک برنامه تلویزیونی نبود و کاش آقایان بدانند هر حرفی را نباید از تریبون تلویزیون مطرح کرد.

امیر واعظ آشتیانی، مدیرعامل اسبق باشگاه استقلال صحبت‌های خود را با حق قانونی مطالبه‌گری مردم در همه زمینه‌ها خصوصا ورزش شروع کرد و در ادامه مجید جلالی، از کارشناسان قدیمی فوتبال مشکلات این ورزش را در چهار مولفه حاکمیتی، امنیتی، سیاسی و مدیریتی خلاصه کرد. علی خطیر و امیرمهدی علوی، دو عضو هیات رئیسه فوتبال هم در ادامه در مقام پاسخگویی صحبت‌هایی را مطرح کردند و به مشکلات مختلفی که بخشی از آن به خاطر تحریم‌های ناجوانمردانه آمریکا علیه کشورمان و شرایط حاکم بر منطقه بر سر راه ورزش به وجود آمده است اشاره کردند. مناظره طرفین با آرامش پیش می‌رفت که علی خطیر از مجری برنامه خواست دیگر اعضای هیات رئیسه را برای شهادت دادن در مورد موافقت اعضا با ماندن امیر قلعه‌نویی به عنوان سرمربی تیم ملی فوتبال روی خط بیاورد.

متاسفانه بعد از روی خط آمدن سه تن از اعضای هیات رئیسه حجت کریمی با لحن بدی به علی خطیر حمله کرد و در مقابل علی خطیر هم پاسخ‌هایی داد که نشان دهنده وجود اختلافات شدید میان اعضای هیات رئیسه فدراسیون فوتبال بود. رفتار علوی در این میان که سعی می‌کرد خطیر را آرام کند هم از چشم دوربین‌ها و بینندگان تلویزیونی دور نماند. در دوره‌ای که همه مسئولان به درستی بر همدلی و وفاق ملی تاکید می‌کنند، اعضای هیات رئیسه فدراسیون فوتبال نشان دادند که هیچ بویی از همدلی و وفاق ملی نبرده‌اند و باور کنید بخش اعظم مشکلات موجود در فوتبال کشورمان به دلیل همین چنددستگی است که بین اعضا موج می‌زند و دوشنبه شب بر همگان عیان شد. خط و نشان کشیدن این دو نفر برای همدیگر و تهدید به شکایت و... روی آنتن زنده از موضوعاتی بود که اصلا نباید در یک برنامه تلویزیونی و در مقابل دیدگان فوتبال دوستان زیادی که تا پاسی از شب بیدار مانده بودند تا خروجی خوبی از صحبت‌های طرفین مناظره دریافت کنند، مطرح می‌شد.

وقتی دو نفر که به قول مجری برنامه قرار است در یک مجموعه برای فوتبال تصمیمات کلان بگیرند نمی‌توانند خودشان را در مقابل دوربین‌های تلویزیونی کنترل کنند چگونه می‌توانند این اختلافات را در تصمیمات خودشان لحاظ نکنند و به فوتبال آسیب نرسانند. فوتبالی که به گفته علی خطیر هم فساد مالی دارد، هم بخشی از کارهایش با توصیه‌های غیرکارشناسانه افراد غیرفوتبالی پیش می‌رود (از نماینده مجلس و امام جمعه گرفته تا وزیر و وکیل و...) و خلاصه هزار و یک مشکل دارد باید از افرادی در بدنه خود استفاده کند که اگر باری از دوش آن برنمی‌دارند، دست کم مشکلی به مشکلات قبلی اضافه نکنند اما اتفاقات و الفاظی که دوشنبه شب مردم شاهدش بودند بیانگر این است که این دوستان قطعا برای خدمت نیامده‌اند و فقط برای قدرت در این ورزش حضور پیدا کرده‌اند و تحت هیچ شرایطی هم حاضر به جدایی از این ورزش نیستند. مشکلات هر بخشی از کشور باید به دست افراد استخوان خرد کرده و مدیران دلسوز و آشنا به آن حوزه حل شود، اما متاسفانه در برنامه فوتبال برتر شاهد بودیم که آقایان نه دلسوز هستند و نه مدیر.

در نهایت آنچه بیش از هر چیزی اهمیت دارد، اصل اتفاق رخ داده در این برنامه است؛ اینکه دو عضو هیات رئیسه و از مدیران بلندپایه فدراسیون فوتبال، اختلافات و انتقادات خود را در قالب یک مناظره تلویزیونی و روی آنتن زنده مطرح کردند. این اتفاق طبیعتا تصویر مطلوبی از مدیریت فوتبال ایران ارائه نمی‌کند و بهتر است اختلافات مدیریتی، حتی در صورت وجود، در چارچوبی حرفه‌ای‌تر و به دور از تنش‌های زنده تلویزیونی دنبال شود و اگر آقایان نمی‌توانند این موضوعات را رعایت کنند بهتر است یا از فوتبال بروند یا در این برنامه‌ها شرکت نکنند تا بیش از این باعث آبروریزی نشوند.

برگزاری بیست‌وچهارمین همایش روز بتن و هجدهمین کنفرانس ملی بتن

مرتضی فخری، خبرنگار: بیست‌وچهارمین همایش روز بتن و هجدهمین کنفرانس ملی بتن از روز گذشته سه شنبه ۱۴ مهر، همزمان با روز بزرگداشت مرحوم استاد احمد حامی، پژوهشگر، استاد دانشگاه و مهندس راه و ساختمان، در مرکز همایش‌های بین المللی بوستان گفت‌وگو تهران آغاز شده و تا پنج‌شنبه ۱۶ مهر ۱۴۰۵ ادامه دارد.

در این همایش و کنفرانس ملی، سرفصل‌هایی از جمله «کاربرد مصالح بازیافتی در ایران»، «سایت ثابت یا سیار»، «فرآیند تصمیم‌گیری اجرایی»، «دفن یا بازیافت؛ دو رویکرد»، «موانع گسترش بازیافت»، «چرا مدیریت بازیافت اهمیت دارد؟»، «باد و زلزله»، «چرا به رغم رعایت معیارها، بناها خراب می‌شوند؟»، «تعریف تاب‌آوری»، «دیوارهای پیرامونی» و بسیاری مسائل مربوط به ساختمان، سازه و بتن و مطالب پیرامون معماری در ایران و جهان به شکل اسلاید و فیلم و توضیحات علمی و تخصصی توسط مهندسان و استادان بزرگ دانشگاه و صاحبان شرکت‌های بزرگ معماری و ساختمانی از روز نخست همایش (روز گذشته) ارائه شده و تا پنج‌شنبه ۱۶ مهر ادامه دارد. این همایش و کنفرانس ملی بتن با شعار «بتن، تاب‌آوری و بازسازی سریع پسابحران» همراه با نمایشگاه جانبی شرکت‌های صنعتی در تهران در حال برگزاری است.



نقش فعال و نوآورانه مدیریت شهری در بازتعریف رفاه بازنشستگان

بازنشستگی؛ پایان کار یا آغاز یک نقش تازه در شهر

وقتی یک شهروند بازنشسته می‌شود، چیزی بیشتر از یک عنوان شغلی را پشت سر می‌گذارد. ساعت رفت‌وآمد، محل کار، همکاران و بخشی از روابط اجتماعی روزمره تغییر می‌کند. در حالی که هزینه‌های زندگی شهری همچنان ادامه دارد و گاهی حتی هزینه‌های درمان، مسکن و رفت‌وآمد بیشتر هم می‌شود. در چنین شرایطی، سوال این است که شهر برای این بخش رو به رشد جمعیت خود چه چیزی در نظر گرفته است تخفیف‌هایی محدود و برنامه‌هایی مناسبتی یا الگویی که بازنشسته را همچنان عضوی فعال و اثرگذار از شهر بداند؟

رشد جمعیت سالمندان و بازنشستگان، مدیریت شهری را با یک واقعیت تازه روبه‌رو کرده است رفاه این گروه دیگر صرفا مسئله‌ای حمایتی نیست، بلکه به موضوعی درباره کیفیت زندگی، مشارکت اجتماعی و حتی نحوه استفاده از ظرفیت‌های خود شهر تبدیل شده است. در همین چارچوب، مریم محمدی، مدیر اداره اجتماعی و فرهنگی سازمان بازنشستگی شهرداری تهران در گفت و گو با «آگاه»، از طرحی سخن می‌گوید که تلاش دارد رفاه بازنشستگان را از حمایت به مشارکت پیوند بزند:

■ با توجه به افزایش جمعیت بازنشستگان و سالمندان در شهرها، به نظر شما مهم‌ترین مسئله‌ای که امروز مدیریت شهری در قبال این گروه با آن مواجه است، چیست؟

رشد جمعیت بازنشستگان و سالمندان در شهرهای کشور، از مهم‌ترین تحولات جمعیتی دهه‌های اخیر به شمار می‌رود تحولی که پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و فضایی گسترده‌ای برای مدیریت شهری به همراه داشته است. بازنشستگان صرفا گروهی نیازمند حمایت نیستند، بلکه سرمایه‌ای انسانی با تجربه، دانش انباشته و تعلق اجتماعی بالا محسوب می‌شوند.

■ با این حال، بخش مهمی از سیاست‌های رفاهی برای بازنشستگان همچنان بر تخفیف یا حمایت‌های محدود متمرکز است. مشکل این رویکرد را در چه می‌دانید؟

سیاست‌های رفاهی شهری در قبال این گروه اغلب به مجموعه‌ای از اقدامات پراکنده، تخفیف‌های محدود یا مناسب‌سازی‌های صرفا کالبدی تقلیل یافته و کمتر به پایداری رفاه، استقلال اقتصادی، کرامت اجتماعی و کیفیت واقعی زندگی آنان پرداخته‌اند. طرح جامع ارتقای رفاه بازنشستگان در مدیریت شهری، با عبور از این رویکردهای سنتی، درپی آن است که نقش فعال و نوآورانه مدیریت شهری در بازتعریف رفاه بازنشستگان را برجسته کند.

واقعیت آن است که بازنشستگان شهری با مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری و همزمان مواجه‌اند. کاهش درآمد واقعی پس از بازنشستگی و ناتوانی در تطبیق آن با هزینه‌های فزاینده زندگی شهری، افزایش هزینه‌های درمان، حمل‌ونقل و مسکن، کاهش مشارکت اجتماعی و احساس کنارگذاشته شدن از حیات شهری، نبود الگوهای مسکن متناسب با نیازهای سالمندی مستقل و وابستگی بیش از حد سیاست‌های حمایتی به کمک‌های نقدی ناپایدار، بخشی از این چالش‌هاست.

شهرداری‌ها با محدودیت منابع مالی مواجه‌اند و امکان گسترش حمایت‌های نقدی مستقیم را ندارند. همین شکاف میان نیاز فزاینده بازنشستگان و توان محدود مدیریت شهری، ضرورت طراحی الگوهای جدید و هوشمندانه رفاهی را دوچندان کرده است.

■ در این طرح، ضرورت ارتقای رفاه بازنشستگان از چه جنبه‌هایی بررسی شده است و هدف چیست؟

هدف کلان این طرح، ارتقای پایدار رفاه بازنشستگان شهری با حفظ استقلال، کرامت و مشارکت اجتماعی آنان است. در ذیل این هدف کلان، اهداف اختصاصی متعددی تعریف شده است از جمله ایجاد نظام درآمد مکمل غیرنقدی مبتنی بر خدمات شهری، تقویت مشارکت اجتماعی بازنشستگان از طریق مبادله زمان و مهارت، تامین الگوی مسکن مقرون به صرفه، مستقل و اجتماعی برای سالمندان و در نهایت، کاهش هزینه‌های زندگی شهری برای بازنشستگان بدون تحمیل بار مالی مستقیم به شهرداری‌ها.

این ضرورت را می‌توان در چند سطح تبیین کرد. در سطح اجتماعی، پیشگیری از انزوای اجتماعی، افسردگی و کاهش نشاط سالمندان و نیز حفظ کرامت انسانی بازنشستگان از طریق مدل‌های غیرصدقه‌ای اهمیت بنیادین دارد. در سطح اقتصادی، کاهش فشار بر نظام‌های حمایتی و درمانی در بلندمدت و جایگزینی حمایت‌های هدفمند غیرنقدی به جای هزینه‌های مستقیم، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در سطح مدیریت شهری نیز افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی، استفاده هوشمندانه از ظرفیت‌های بلااستفاده شهری و حرکت به‌سوی تحقق مفهوم «شهر دوستدار سالمند» با رویکردی نوآورانه، از الزامات سیاست‌گذاری امروز شهرهاست.

■ آیا این طرح صرفا یک ایده اجرایی است یا پشتوانه نظری مشخصی هم دارد؟

این طرح بر مبانی نظری و مفهومی مشخصی استوار است. نظریه «سالمندی فعال» بر مشارکت مداوم سالمندان در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تاکید دارد و رفاه را صرفا به دریافت حمایت مالی محدود نمی‌کند. نظریه سرمایه اجتماعی نیز بازنشستگان را به عنوان حاملان تجربه، اعتماد و پیوندهای اجتماعی می‌بیند که نقش مهمی در تقویت همبستگی شهری دارند.

■ یکی از محورهای طرح، اختصاص اعتبار ماهانه به بازنشستگان است. این اعتبار دقیقا چگونه قرار است عمل کند و چه تفاوتی با کمک نقدی دارد؟

«درآمد مکمل شهری بازنشستگان» مدلی است که در آن اعتبار ماهانه‌ای به بازنشستگان تخصیص داده می‌شود که صرفا در خدمات و امکانات شهری مانند حمل‌ونقل عمومی، مراکز فرهنگی و اجتماعی، فضاهای ورزشی، تفریحی و درمانی قابل استفاده است. غیرنقدی و غیرقابل تبدیل بودن این اعتبار و هدفمند بودن آن، از ویژگی‌های کلیدی این محور به شمار می‌رود. کارکرد اصلی این سازوکار، کاهش هزینه‌های زندگی بدون ایجاد وابستگی یا فشار مالی مستقیم بر مدیریت شهری است.

■ اما اگر بازنشسته صرفا دریافت‌کننده خدمات نباشد و خودش هم بتواند در شهر نقش داشته باشد، چه الگویی برای این موضوع در طرح پیش‌بینی شده است؟

در آن صورت محور «زمان بانک بازنشستگان» پیشنهاد می‌شود سامانه‌ای که در آن بازنشستگان می‌توانند زمان، مهارت یا تجربه خود را در قالب فعالیت‌های داوطلبانه شهری ارائه دهند و در مقابل، اعتبار رفاهی دریافت کنند.

■ این مشارکت قرار است در چه حوزه‌هایی اتفاق بیفتد؟

آموزش مهارت‌ها، راهنمایی فرهنگی و محلی، مشارکت در برنامه‌های اجتماعی و همکاری در برخی خدمات شهری، نمونه‌هایی از این فعالیت‌هاست. مزیت کلیدی زمان‌بانک، ایجاد رفاه دوطرفه است. شهری که از تجربه و توان بازنشستگان بهره‌مند می‌شود و بازنشسته‌ای که احساس مفید بودن، مشارکت و تعلق اجتماعی را دوباره تجربه می‌کند.

■ در این طرح برای بازنشستگانی که با مشکل مسکن یا تنهایی زندگی مواجه‌اند، چه راهکاری پیشنهاد شده است؟

در الگوی مسکن اشتراکی سالمندی شهری واحدهای مسکونی کوچک و مستقل با فضاهای مشترک همچون فضاهای ورزشی، تفریحی و خدمات سلامت برای بازنشستگان توسعه می‌یابد. اجاره یا تملک مقرون‌به‌صرفه، نزدیکی به خدمات شهری و حفظ استقلال فردی در کنار تعامل اجتماعی، از ویژگی‌های اصلی این الگوست.



الگوی «مسکن مشارکتی سالمندی» یا Co-housing، مدلی است که استقلال فردی را با زندگی اجتماعی ترکیب می‌کند و می‌تواند جایگزینی انسانی و کم‌هزینه برای خانه‌های سالمندان باشد. در این مدل، فرد استقلال خود را حفظ می‌کند، اما در کنار آن به فضاهای مشترک و شبکه‌ای از روابط اجتماعی و خدمات دسترسی دارد.

این طرح با فاصله گرفتن از رویکردهای سنتی رفاهی، مدلی نوآورانه، پایدار و انسانی برای ارتقای کیفیت زندگی بازنشستگان شهری ارائه می‌دهد. ترکیب درآمد مکمل شهری، زمان‌بانک و مسکن اشتراکی سالمندی می‌تواند الگویی بومی و در عین حال قابل تعمیم برای مدیریت شهری کشور باشد. در این چارچوب، رفاه بازنشستگان نه یک هزینه اضافی، بلکه سرمایه‌گذاری اجتماعی برای آینده شهر تلقی می‌شود.

چرا ۱۴ مهر «روز تهران» شد

یک نام‌گذاری که نزدیک به یک دهه پیگیری شد

امیرماهان محمدی یکتا، خبرنگار: ۱۴ مهر برای بسیاری فقط یک تاریخ در تقویم است، اما پشت این روز، بخشی از تاریخ سیاسی و شهری ایران قرار دارد؛ تاریخی که به ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ قمری و تصویب متمم قانون اساسی مشروطه بازمی‌گردد. تهران پیش از آن، در دوره آقامحمدخان قاجار به پایتختی انتخاب شده بود، اما در متمم قانون اساسی مشروطه، برای نخستین بار جایگاه پایتختی آن در متن قانون تثبیت شد. همین پیوند تاریخی، مبنای انتخاب ۱۴ مهر به عنوان «روز تهران» شد؛ انتخابی که از سال ۱۳۹۵ دنبال شد و سرانجام در سال ۱۴۰۴ در شورای فرهنگ عمومی استان تهران به تصویب رسید.

۱۴ مهر برای تهران، روزی است که تاریخ سیاسی، هویت شهری و حافظه جمعی به یکدیگر گره می‌خورند؛ روزی که قرار است شهروندان را به شهری توجه دهد که بیش از دو قرن است در مرکز تحولات سیاسی و اجتماعی ایران قرار دارد.

برای پاسخ به این پرسش باید به بیش از یک قرن قبل بازگشت؛ به سال‌های پس از انقلاب مشروطه و زمانی که قرار بود ساختار سیاسی جدید ایران در قالب قانون اساسی شکل بگیرد.

تهران البته پیش از مشروطه پایتخت ایران شده بود، اما میان «پایتخت بودن در عمل» و «تثبیت پایتخت در متن قانون» تفاوت وجود داشت. متمم قانون اساسی مشروطه در سال ۱۲۸۶ شمسی این جایگاه را به صورت صریح در قانون ثبت کرد. در اصل چهارم متمم آمده است: «پایتخت ایران طهران است.» متن متمم در ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ قمری به امضای محمدعلی شاه قاجار رسید. درباره تبدیل تاریخ قمری به شمسی در منابع، اختلاف یک روزه‌ای دیده می‌شود و برخی اسناد تاریخ را ۱۴ مهر و برخی ۱۵ مهر ثبت کرده‌اند؛ با این حال، در روند نام‌گذاری «روز تهران»، تاریخ ۱۴ مهر مبنا قرار گرفته است.

روزی که تهران پایتخت شد

عضو شورای فرهنگ عمومی استان تهران تهران، درباره چگونگی انتخاب این مناسبت به خبرنگار «مهر» توضیح داد: در ابتدا گزینه‌های دیگری نیز مطرح بوده است، اما در نهایت تاریخی انتخاب شد که تهران در آن در متن قانون اساسی مشروطه به عنوان پایتخت تثبیت شده بود. حجت الاسلام سیدمحسن محمودی در توضیح فلسفه این انتخاب نیز گفت: هدف از نام‌گذاری روز تهران، تنها ثبت یک مناسبت در تقویم نبوده، بلکه معرفی بیشتر شهر، استان و شناسایی ظرفیت‌ها و داشته‌هایی بوده که بخشی از آنها در طول زمان کمتر دیده شده‌اند.

وی همچنین گفت: در ۱۴ مهر ۱۲۸۶، آنچه در قانون مشروطه رخ داد، جایگزینی عنوان پایتخت ایران به جای تعبیر قدیمی دارالخلافه بود؛ تعبیری که پیشتر برای تهران به کار می‌رفت، لذا روز تهران، روز «تهران شدن» این شهر نیست؛ روزی است که جایگاه پایتختی آن در قانون تثبیت شد.

البته درباره روایت رایج از ۱۴ مهر، یک ظرافت تاریخی وجود دارد. برخی گزارش‌ها و اظهارنظرهای قدیمی‌تر این روز را به جلسه‌ای از مجلس اول مشروطه و معرفی تهران به عنوان پایتخت نسبت داده‌اند، اما بررسی متن مذاکرات مجلس نشان می‌دهد در جلسه‌ای که تاریخ آن با ۱۴ مهر ۱۲۸۶ منطبق دانسته شده، اشاره‌ای به تهران یا پایتخت وجود ندارد.

آنچه از نظر سند قانونی اهمیت دارد، اصل چهارم متمم قانون اساسی مشروطه است که صراحتا تهران را پایتخت ایران معرفی می‌کند. بنابراین، اگرچه روایت مربوط به «جلسه مجلس در ۱۴ مهر» نیازمند دقت تاریخی است، اصل ارتباط این تاریخ با تثبیت قانونی پایتختی تهران، بر متن متمم قانون اساسی استوار است.



این تفکیک برای یک مناسبت تاریخی مهم است؛ زیرا روز تهران قرار نیست بر یک روایت غیرمستند بنا شود، بلکه باید بر پایه سندی توضیح داده شود که چرا این تاریخ برای شهر اهمیت پیدا کرده است.

از یک مصوبه تا یک مناسبت عمومی

ماجرای نام‌گذاری ۱۴ مهر البته در سال ۱۲۸۶ تمام نمی‌شود. بیش از یک قرن بعد، با مصوبه‌ای پیشنهاد تعیین روز تهران را به شورای فرهنگ عمومی ارائه شد، این پیشنهاد برای مدتی بدون نتیجه باقی ماند. دبیر شورای فرهنگ عمومی استان تهران، درباره روند ثبت این مناسبت به خبرنگار «مهر» گفت: پس از مکاتبات و پیگیری‌های انجام‌شده، سرانجام شورای فرهنگ عمومی استان تهران در ۲۹ شهریور ۱۴۰۴ با انتخاب ۱۴ مهر به عنوان روز تهران موافقت کرد.

حجت الاسلام حسین ملکی درباره این روند گفت: حدود یک دهه قبل پیشنهاد نام‌گذاری روز تهران مطرح شده بود، اما این موضوع سال‌ها به نتیجه نرسید. به گفته او، پس از مکاتبات با شورای فرهنگ عمومی و نهادهای مرتبط از سرگرفته شد. ملکی همچنین گفته است در جلسه‌ای که موضوع در شورای فرهنگ عمومی استان تهران بررسی شد، استدلال‌های مختلفی درباره تاریخ مناسب برای روز تهران مطرح شد و در نهایت نیز این تاریخ با رأی قاطع اعضای حاضر به تصویب رسید.

این اظهارات نشان می‌دهد انتخاب ۱۴ مهر، صرفا یک تصمیم ناگهانی یا مناسبتی نبوده و دست‌کم از یک دهه قبل یک روند رسمی برای آن دنبال شده است.

در عین حال، درباره عبارت «ثبت در تقویم رسمی کشور» باید با دقت سخن گفت، محمدصادق معتمدیان، استاندار تهران، در مهر ۱۴۰۵ اعلام کرده است که پیشنهاد ۱۴ مهر در شورای فرهنگ عمومی استان تصویب شده و موافقت شورای فرهنگ عمومی کشور نیز حاصل شده، اما درج آن در تقویم رسمی کشور همچنان در دست پیگیری است.

تهران فقط مجموعه‌ای از خیابان‌ها، ساختمان‌ها و بزرگراه‌ها نیست. پایتخت، بخشی از حافظه تاریخی ایران است؛ شهری که مشروطه، تحولات سیاسی، انقلاب، جنگ، مهاجرت، توسعه صنعتی و دگرگونی‌های اجتماعی چند نسل را به خود دیده است، از همین رو، شاید مهم‌ترین کارکرد روز تهران این باشد که یک روز در سال، شهروندان از کنار تهران عبور نکنند، بلکه تهران را ببینند؛ تاریخش را بشناسند، ظرفیت‌هایش را کشف کنند و درباره آینده‌اش مطالبه‌گر باشند.

۱۴ مهر، روزی نیست که تهران متولد شده باشد؛ روزی است که جایگاه پایتختی تهران در قانون تثبیت شد. انتخاب این تاریخ، فرصتی است برای بازخوانی شهری که بیش از دو قرن پایتخت ایران بوده و اکنون بیش از هر زمان دیگری به شناخت، مراقبت و برنامه‌ریزی برای آینده نیاز دارد.



سردار قاسم رضایی، جانشین فرمانده کل انتظامی فراجا:

ورود افراد با پوشش نامتعارف به اماکن انتظامی ممنوع است

چهارشنبـه/ ۱۵ مهر ۱۴۰۵/ شماره ۶۵۷

روایتی از پرچمی که از نخستین روزهای جنگ در چهارراه ولیعصر دست‌به‌دست می‌شود و در اهتزاز است

این پرچم همیشه بالاست



مینا یاری، خبرنگار گروه جامعه: حوالی ظهر است. آفتاب اول پاییز درست بالای چهارراه ولیعصر ایستاده و سایه‌بانی که برای پرچمدار گذاشته‌اند، حریف نور نیست. آفتاب از کناره سایه‌بان راه خودش را پیدا کرده و مستقیم روی صورت دختر جوان افتاده است. او اما از جایش تکان نمی‌خورد. یک دستش دور میله پرچم ایران حلقه شده و با دست دیگر تصویر رهبر شهید را رو به خیابان گرفته است؛ رو به اتوبوس‌ها، خودروهایی که پشت چراغ می‌ایستند و آدم‌هایی که از چهارراه می‌گذرند.

یکی از خادمان پرچم، لیوانی آب برایش می‌آورد. چند دقیقه بعد زن مسنی از راه می‌رسد. ثبت‌نام نکرده و نوبتی هم ندارد، اما می‌گوید دلش می‌خواهد چند دقیقه پرچم را به دست بگیرد. گوشه‌ای می‌نشیند تا شاید فاصله‌ای میان دو نوبت پیدا شود و سهم او هم از این ایستادن برسد.

خیابان مسیر خودش را می‌رود. بعضی‌ها سر می‌چرخانند و نگاه می‌کنند، بعضی زیر لب یا با صدای بلند «خدا قوت» می‌گویند، کسی دست تکان می‌دهد و عده‌ای هم بی‌تفاوت از کنار صحنه می‌گذرند. دختر اما ایستاده است؛ حتی اگر کسی نگاهش نکند. این صحنه بیش از ۲۰۰ روز است، با چهره‌هایی متفاوت، تکرار می‌شود.

آدم‌ها عوض می‌شوند؛ پرچم می‌ماند

ماجرا از روزهای نخست جنگ شروع شد. نخستین نمونه این پرچمداری ششم فروردین در مشهد شکل گرفت و سه روز بعد، نهم فروردین، امیرحسین و مصطفی خراشادی همان ایده را به چهارراه ولیعصر تهران آوردند. ابتدا خبری از سازه و سایه‌بان و خادمان متعدد نبود؛ یک پرچم بود و چند نفری که باید مراقب می‌بودند زمین نماند.

مصطفی خراشادی می‌گوید آن روزها خودشان هم فکر نمی‌کردند قصه این‌قدر طولانی شود. تصورشان این بود که چند روزی می‌ایستند و ماجرا تمام می‌شود. اما روزها گذشت و به جای اینکه صف پرچمداران کوتاه شود، آدم‌های تازه از راه رسیدند.

گزارش‌های نخستین هفته‌ها پر است از آدم‌هایی که هیچ شباهتی به هم ندارند. مرد ۷۰ ساله‌ای که هر شب برای نیم ساعت پرچم می‌گرفت؛ دختر دهه نودی که بعد از مدرسه همراه مادرش می‌آمد و نذر کرده بود هر روز سهمی از این ایستادن داشته باشد؛ پیرمردی که زانوهایش توان ایستادن نداشت اما هر شب کنار سکو می‌نشست تا فقط ببیند پرچم همچنان بالاست. گزارش‌های همان روزها از حضور کودکان هفت، هشت ساله تا سالمندان خبر می‌دادند.

یک روز هم باد و باران تهران سازه‌های اطراف جایگاه را به هم ریخت. بنرها و استندها افتادند و چند نفر هم‌زمان به دور چوب پرچم حلقه زدند تا تعادلش حفظ شود. شاید همین صحنه، شکل فشرده‌ای از تمام این ۲۰۰ روز باشد؛ کاری که قرار نبود یک نفر به تنهایی انجام دهد.

هرکس از طریق سامانه ثبت‌نام، روز و ساعتش را انتخاب می‌کند. در روزهای پرتقاضا حتی نوبت‌ها به نیم ساعت رسید و اکنون عمدتا یک ساعته است. ظهر، عصر، نیمه‌شب یا اول صبح؛ قرار اصلی فقط یکی است: وقتی نوبتت تمام شد، باید پرچم را به دست نفر بعدی بدهی. شاید همه ماجرای این بیش از ۲۰۰ روز را بتوان در همین تحویل ساده خلاصه کرد؛ دستی که خسته شده، پرچم را به دست تازه‌ای می‌دهد.

زنانی که بیشتر دیده می‌شوند

اما میان همه چهره‌هایی که در این ماه‌ها پشت جایگاه ایستاده‌اند، یک واقعیت از همان هفته‌های اول توجه همگان را جلب کرده است: زن‌ها زیادند. تا آن زمان زنان بیشتر از مردان برای پرچمداری آمده بودند. چند ماه بعد نیز برگزارکنندگان همچنان از سهم بالای زنان در ثبت‌نام‌ها می‌گویند.

این حضور را نمی‌شود فقط با یک تصویر توضیح داد. زن‌ها یکدست نیستند؛ سن، شغل، تحصیلات، سبک زندگی و حتی شکل پوشش آنها متفاوت است. گاهی زن خانه‌داری است که فرزندش را به مدرسه رسانده و پیش از برگشتن به خانه یک ساعت از وقتش را اینجا می‌گذراند؛ گاهی دانشجویی است که عصر آمده، گاهی کارمندی که خستگی روزکاری هنوز در صورتش پیداست و گاهی همان زن مسنی است که حتی بدون ثبت‌نام آمده تا چند دقیقه سهمی داشته باشد.

در ماه‌های جنگ، درباره این حضور گسترده زنان بسیار نوشته شد. یک خط مشترک در بسیاری از این تحلیل‌ها وجود داشت: آنچه امروز در خیابان دیده می‌شود، الزاما تولد یک کنشگر تازه نیست؛ رویت‌پذیر شدن کنشگری‌ای است که سال‌ها در فضاهای کوچک‌تر جریان داشته است.

زنانی که در روزهای کرونا چرخ خیاطی خانه را روشن کردند تا ابتدا برای خانواده خود ماسک بدوزند و بعد همان کارگوچک را به مسجد و محله کشاندند؛ زنانی که در بحران‌ها غذا آماده کرده‌اند، بیمار پرستاری کرده‌اند، برای جمع‌آوری کمک شبکه ساخته‌اند و بی‌آنکه نامی از آنها بماند بخشی از بار زندگی اجتماعی را برداشته‌اند، این بار از خانه و محله به خیابان آمده‌اند. تفاوت در «مقیاس عمل» نیست؛ در دیده شدن آن است.

یکی پرچم می‌خرد، یکی میان جمعیت توزیع می‌کند، یکی فرزندش را همراه خودش به تجمع می‌آورد و دیگری زیر آفتاب ظهر چهارراه ولیعصر می‌ایستد. هر کدام کنشی کوچک است اما کنار هم که قرار می‌گیرند، تصویری بزرگ‌تر می‌سازند. حضور امروز زنان در چهارراه ولیعصر، بیش از آنکه استثنایی برای روزهای جنگ باشد، می‌تواند امتداد همان شکل از کنشگری باشد؛ کاری کوچک، داوطلبانه و مبتنی بر احساس مسئولیت که این بار درست وسط شهر اتفاق می‌افتد و دیگر نمی‌شود آن را ندید.

چهارراهی که فقط محل عبور نیست

خیابان از ابتدای جنگ نه صرفا «معبر» که «میدان زیست» است جایی که مردم از تماشاگر به کنشگر تبدیل می‌شوند. چهارراه ولیعصر نمونه روشنی از همین تغییر است. آدمی ممکن است صبح فقط برای رسیدن به مترو از کنار پرچم بگذرد و فردا خودش برای گرفتن آن ثبت‌نام کند. در یکی از گزارش‌های نخستین، مردی از خرم‌آباد تعریف کرده بود که از ترمینال مستقیم به چهارراه آمده چون شنیده بود مردم اینجا پرچم را دست‌به‌دست نگه می‌دارند.

بیش از ۲۰۰ روز گذشته است. آدم‌هایی که روز نخست اینجا ایستادند رفته‌اند؛ هزاران نفر بعد از آنها آمده‌اند و رفته‌اند. هوا گرم شده، سرد شده و دوباره فصل عوض کرده است. چهارراه ولیعصر همچنان شلوغ است و بسیاری از رهگذران شاید دیگر حتی به این تصویر عادت کرده باشند. اما پرچم هنوز دست‌به‌دست می‌شود. آدم‌ها عوض می‌شوند؛ دستی که پرچم را نگه داشته عوض می‌شود؛ فقط قرار است یک چیز تغییر نکند؛ پرچم زمین نماند.

پای پرچم، تفاوت‌ها آدم‌ها را از هم جدا نمی‌کند

یلدا حداد، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق که حدود دو تا سه ماه است به عنوان پرچمدار در این پویش حضور دارد و مدتی نیز در بخش پشتیبانی فعالیت کرده است. وی در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» درباره تجربه‌اش از حضور زنان گفت: به نظرم حضور خانم‌ها واقعا پررنگ است. شاید بخشی از آن به این برگردد که زنان نسبت به جزئیات اتفاقات اطرافشان حساس‌ترند و بیشتر به آینده خانواده و جامعه فکر می‌کنند.

وی افزود: ترکیب پرچمداران در ساعات مختلف تغییر می‌کند؛ صبح‌ها زنان خانه‌دار بیشتر دیده می‌شوند و از عصر به بعد دانشجویان، جوانان و شاغلان هم اضافه می‌شوند؛ گاهی از چهره کسی مشخص است که از صبح سرکار بوده اما آمده نیم ساعت یا یک ساعت اینجا بایستد. حداد مهم‌ترین تجربه خود را تنوع زنانی می‌داند که پای پرچم دیده است و ادامه داد: نمی‌توانی بگویی کدام قشر پررنگ‌تر است. ممکن است امروز زنان چادری بیشتر باشند و روز دیگری آدم‌هایی با پوشش متفاوت بیایند. پیش آمده خانمی که از نظر حجاب با ما متفاوت است رد شده و گفته خدا قوت، من بیایم چند دقیقه جای شما بایستم؟

وی افزود: دوست داشتن ایران را نمی‌توان با تفاوت‌ها سنجید. تجربه من اینجا نشان داده وقتی بحث پرچم و کشور مطرح است، آدم‌های متفاوت می‌توانند کنار هم بایستند. این خادم پرچم درباره واکنش رهگذران نیز افزود: برخی هنگام عبور خدا قوت می‌گویند، بعضی شیرینی یا خوراکی می‌آورند و کسبه اطراف نیز گاهی برای خادمان غذا می‌فرستند، اما واکنش منفی هم وجود دارد؛ گاهی کسی رد می‌شود و توهین می‌کند، ولی تاکید ما این است که وارد چالش نشویم. هدف این است که این پرچم بالا بماند.

فکر نمی‌کردیم این ایستادن ۲۰۰ روزه شود

مصطفی خراشادی، هنرمند و یکی از بنیان‌گذاران پویش «پرچمداران ایران» در چهارراه ولیعصر تهران است که همراه برادرش امیرحسین خراشادی این طرح را در تهران راه‌اندازی کرده است. او در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» از روزهای نخست شکل‌گیری پویش، استقبال مردم، انگیزه پرچمداران و دشواری‌های ادامه شبانه‌روزی این حرکت می‌گوید.

■ پویش چطور شروع شد؟

اصل کار ششم فروردین در مشهد آغاز شد. برادرم امیرحسین ایده را مطرح کرد و ما نهم فروردین در چهارراه ولیعصر تهران راهش انداختیم. اول یک پرچم بود و بعد برای محل پرچمدار سازه‌ای درست کردیم تا تصویر ایستادگی و استقامت را نشان دهد. واقعا تصور نمی‌کردیم کار این قدر طول بکشد. فکر می‌کردیم شرایط زودتر تمام شود، اما مردم آمدند و پرچم را نگه داشتند.

■ پس استمرار ۲۴ ساعته بیشتر متکی به داوطلبان است؟

بله. امروز حدود ۵۰ خادم داریم. اگر پرچمداری نوبتش باشد و نتواند بیاید، خادم جای او می‌ایستد تا پرچم رها نشود. اوایل چنین امکانی نبود؛ خود من گاهی شش ساعت می‌ایستادم و بعد برادرم شش ساعت پرچم را می‌گرفت. نگه داشتنش برای چند ساعت پشت سر هم واقعا سخت است.

■ چند نفر تا امروز پرچمدار شده‌اند؟

برآورد ما بیش از ۱۵ هزار نفر است. در بعضی مقاطع ۶۰ تا ۷۰ درصدشان خانم‌ها بوده‌اند. اقشار هم بسیار متفاوت‌اند؛ دانشجو، معلم، پزشک، مهندس، هنرمند، ورزشکار، آتش‌نشان و نیروهای امدادی و نظامی داشته‌ایم.

■ فکر می‌کنید چه چیزی مردم را به اینجا می‌کشاند؟

آدم‌هایی که می‌آیند خودشان هم درگیر مشکلات زندگی و مسائل اقتصادی و اجتماعی هستند، اما وقتی پای کشور و پرچم در میان است، احساس می‌کنند باید سهمی داشته باشند. برای بعضی‌ها همین نیم ساعت یا یک ساعت ایستادن پای پرچم، یعنی اینکه احساس کنند برای کشورشان کاری کرده‌اند. شاید آدم‌ها از نظر ظاهر، عقیده یا سبک زندگی با هم متفاوت باشند، اما اینجا یک نقطه مشترک پیدا می‌کنند.

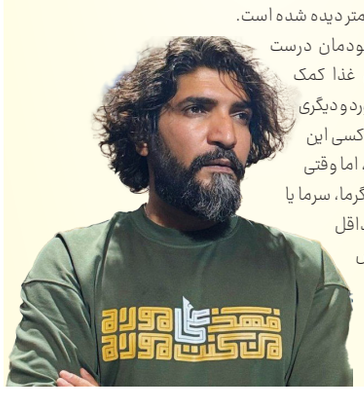
■ از میان این آدم‌ها کدام خاطره برایتان ماندگارتر است؟

یک ایرانی ساکن فرانسه بعد از حدود ۱۵ سال به ایران آمده بود. همان روزهای اول چند ساعت پرچم را نگه داشت و می‌گفت وقتی آن را گرفتم، حس کردم برای کشورم کاری انجام می‌دهم. یک زن ایرانی که از آلمان آمده بود هم مدتی از دور نگاه می‌کرد. پیشنهاد دادم خودش پرچم را بگیرد. پرسید «می‌شود؟» گفتم چرا نشود. وقتی گرفت، پرچم را در آغوش گرفت. این صحنه برای خود من خیلی ماندگار شد.

■ بعد از بیش از ۲۰۰ روز چه چیزی این حرکت را سرپا نگه داشته؟

مردم. یک تجمع چند ساعت بعد تمام می‌شود، اما این پرچم نیمه‌شب و صبح زود هم باید پرچمدار داشته باشد. خیلی از امکانات هم توسط خود مردم فراهم شده؛ یکی برای سایه‌بان. اگر امروز همچنان پرچم بالاست، به خاطر کسانی است که آمده‌اند آن را از دست نفر قبلی گرفته‌اند و بعد به دست نفر بعدی سپرده‌اند.

این حرکت از ابتدا مردمی بوده و مردم هم آن را سرپا نگه داشته‌اند، بعضی مسئولان آمده‌اند، بازدید کرده‌اند و عکس گرفته‌اند، ولی نیازهای ساده پرچمداران کمتر دیده شده است.



مثلا سایه‌بان را خودمان درست کردیم، مردم برای غذا کمک کردند، یکی سماور آورد و دیگری کولر. انتظار نداریم کسی این حرکت را دولتی کند، اما وقتی فردی ساعت‌ها در گرما، سرما یا باران می‌ایستد، حداقل می‌توان برای آسایش او امکانات ساده‌ای فراهم کرد.

چشم‌روشنی هدیه شهرداری تهران به مادران نوزادان ۱۴۰۵

رئیس مرکز زنان و خانواده شهرداری تهران از اجرای طرح چشم‌روشنی برای مادرانی که از ابتدای سال ۱۴۰۵ صاحب فرزند شده‌اند، با ارائه بسته‌ای از خدمات فرهنگی، گردشگری، سلامت و خرید خبر داد.

به گزارش «آگاه» مریم اردبیلی، رئیس مرکز زنان و خانواده شهرداری تهران در تشریح طرح چشم‌روشنی گفت: این طرح به عنوان هدیه شهرداری تهران به مادرانی که از ابتدای سال ۱۴۰۵ صاحب فرزند شده‌اند، در نظر گرفته شده و شامل مجموعه‌ای از خدمات فرهنگی، گردشگری، سلامت و خرید از فروشگاه‌های شهروند و میادین میوه و تره‌بار است.

اردبیلی با اشاره به نام‌گذاری این طرح اظهار کرد: چشم‌روشنی هم یک سنت ایرانی برای تبریک و خوشامدگویی به نوزاد تازه متولدشده است و هم برگرفته از مفهوم قره‌العین در آیه ۷۴ سوره فرقان است؛ جایی که از فرزندان به عنوان مایه روشنی چشم و آرامش یاد شده است.

وی افزود: پیامبر اکرم (ص) نیز بر طلب فرزند و فرزندآوری تاکید کرده و فرزند را مایه روشنی چشم و شادی قلب دانسته‌اند. از این منظر، نوزادان شهر تهران را نور چشم و نویدبخش آینده شهر می‌دانیم.

رئیس مرکز زنان و خانواده شهرداری تهران با تاکید بر اینکه طرح «چشم روشنی» صرفا یک هدیه نقدی نیست، گفت: این طرح یک بسته خدماتی ترکیبی است که امکان خرید آنلاین از سازمان مدیریت میادین میوه و تره‌بار و فروشگاه شهروند را فراهم می‌کند و در کنار آن، خدمات فرهنگی، گردشگری و سلامت نیز در این بسته پیش‌بینی شده است.

اردبیلی ادامه داد: هر شهروند برای استفاده از خدمات شهری، از حمل و نقل گرفته تا مسکن، ملک، کسب و کار و سایر امکانات، سهمی از شهر دارد. شهرداری تهران نیز حق و سهم این شهروندان کوچک را به رسمیت می‌شناسد و با اجرای طرح چشم‌روشنی، به آنان خیرمقدم می‌گوید. وی با بیان اینکه حمایت از مادران می‌تواند به تقویت بنیان خانواده کمک کند، اظهار کرد: حال خوب مادر می‌تواند بر حال خوب همه اعضای خانواده اثرگذار باشد و به خانواده کمک کند تا دوام و غنای بیشتری را تجربه کند.

رئیس مرکز زنان و خانواده شهرداری تهران افزود: ما به یمن و برکت نورسیده‌های شهرمان باور داریم که هر فرزند روزی خود را با خود به خانواده و شهر می‌آورد. اردبیلی تاکید کرد: در طرح چشم‌روشنی، خانواده تصمیم‌گیرنده و انتخاب‌کننده نحوه بهره‌برداری از این بسته است و هر خانواده متناسب با نیاز و تمایل خود می‌تواند از خدمات پیش‌بینی‌شده استفاده کند.

مطالبه مردمی برای حمایت از مادران

رئیس مرکز زنان و خانواده شهرداری تهران همچنین با اشاره به نقش گروه‌های مردمی در حمایت از خانواده‌ها گفت: بسیاری از مردم شهر تهران در گروه‌های مردمی تلاش می‌کنند مادران را تنها نگذارند و در برخی محله‌ها نیز خانواده‌ها در زمینه پرورش و حمایت از فرزندان به یکدیگر کمک می‌کنند.

وی ادامه داد: امروز یک مطالبه جدی مردمی از شهرداری تهران وجود دارد که در امتداد این جریان مردمی، به سهم خود از مادران تهرانی حمایت کند.

اردبیلی با تاکید بر اینکه سیاست خانواده‌محوری و حمایت از مادران در تهران به اجرای طرح «چشم‌روشنی» محدود نمی‌شود، گفت: مناسب‌سازی معابر شهری و احداث اتاق‌های مادر و کودک در دست اقدام و تکمیل کننده این رویکرد است.

ارائه پیشنهاد پوشش بیمه‌ای «فریز تخمک»

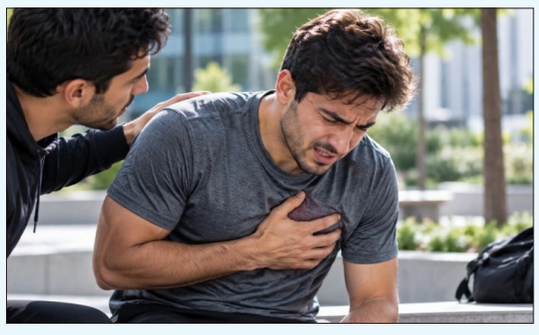


دبیر ستاد ملی جمعیت با اشاره به افزایش «سن ازدواج» و ضرورت توجه به اقدامات حفظ باروری زنان گفت: پیشنهاد ستاد جوانی جمعیت این است که فریز تخمک در پوشش بیمه قرار گیرد؛ این پیشنهاد به وزارت بهداشت ارائه شده تا بیمه‌های اصلی کشور از نظر بار مالی آن را بررسی کنند. مرضیه وحید دستجردی به «ایسنا» گفت: با توجه به افزایش سن ازدواج، بحث اقدامات حفظ باروری زنان را در نظر داریم و موضوعاتی مانند فریز تخمک و موارد مشابه آن باید مورد توجه قرار گیرد.

وی افزود: پیشنهاد ما این است که مسئله فریز تخمک حتما جزو پوشش بیمه قرار گیرد؛ در حال حاضر فریز تخمک تحت پوشش بیمه نیست. این پیشنهاد به وزارت بهداشت در بخش بیمه‌ای مطرح شده است. دستجردی گفت: دو دستگاه بیمه‌ای اصلی یعنی سازمان بیمه سلامت و سازمان تامین اجتماعی، قرار است بار مالی این موضوع را بررسی کنند که منتظر نتیجه این بررسی هستیم.

عارضه قلبی دیگر بیماری سالمندان نیست

بیماران قلبی جوان شده‌اند!



بیماری‌های قلبی و عروقی که روزگاری بیشتر با سالمندی گره خورده بود، حالا در سنین پایین‌تر نیز قربانی می‌گیرد. تغییر سبک زندگی، کاهش فعالیت بدنی، تغذیه نامناسب، مصرف دخانیات و گسترش بیماری‌هایی مانند فشارخون و دیابت، زنگ خطر را برای سلامت قلب جوانان و میانسالان به صدا درآورده است. متخصصان معتقدند بسیاری از این عوامل قابل کنترل‌اند و با اصلاح عادت‌های روزمره می‌توان از بخش مهمی از خطرات پیشگیری کرد. با این حال، کاهش سن ابتلا نشان می‌دهد مراقبت از قلب دیگر توصیه‌ای برای سال‌های سالمندی نیست و باید از جوانی به یک دغدغه جدی تبدیل شود.

محمدرضا اخباری، متخصص قلب و عروق با اشاره به عوامل خطر بیماری‌های قلبی و عروقی، گفت: قند خون، فشارخون، مصرف سیگار، چربی خون و سابقه خانوادگی از مهم‌ترین عوامل خطری هستند که باید مورد توجه قرار گیرند.

وی با تاکید بر اهمیت کنترل فشارخون، افزود: شیوع فشارخون در جامعه قابل توجه است به همین دلیل آموزش نحوه اندازه‌گیری و تشخیص فشارخون، پیگیری درمان و پیشگیری از عوارض آن یکی از موضوعات مهم آموزش سلامت قلب در جامعه است.

اخباری با بیان اینکه الگوی بروز بیماری‌های قلبی در سال‌های اخیر تغییر کرده است، اظهار کرد: بیماری‌های قلبی و عروقی دیگر تنها موضوع دوران سالمندی نیست و امروزه موارد ابتلا در سنین میانسالی و حتی جوان‌تر نیز مشاهده می‌شود. وی عنوان کرد: تغییر شیوه زندگی، ماشینی شدن زندگی روزمره، کاهش تحرک، فاصله گرفتن از فعالیت‌های بدنی و کمتر شدن ارتباط با محیط‌های طبیعی از جمله عواملی هستند که می‌توانند در این زمینه نقش داشته باشند.

این متخصص قلب و عروق تاکید کرد: اصلاح این عوامل، به ویژه در افرادی که یک یا چند عامل خطر مانند فشارخون، دیابت یا مصرف سیگار دارند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و باید با جدیت بیشتری دنبال شود. وی با اشاره به اهمیت سابقه خانوادگی در ارزیابی خطر بیماری‌های قلبی، گفت: افرادی که در خانواده خود سابقه بیماری قلبی در سنین پایین، به‌ویژه حدود ۴۰ تا ۵۰ سالگی دارند، باید توجه بیشتری به وضعیت سلامت خود داشته باشند.

اخباری تاکید کرد: افرادی که دارای عوامل خطری مانند فشار خون بالا، دیابت، مصرف سیگار یا سابقه خانوادگی بیماری قلبی هستند، بهتر است برای ارزیابی دقیق‌تر وضعیت سلامت خود با پزشک مشورت کنند و در صورت نیاز، آزمایش‌های لازم و بررسی‌های قلبی برای آنها انجام شود.

وی تصریح کرد: هدف از این بررسی‌ها، شناسایی زودهنگام عوامل خطرو بیماری و فراهم کردن فرصت مناسب برای پیشگیری از عوارض و ناتوانی‌های ناشی از بیماری‌های قلبی است.

این متخصص قلب و عروق با اشاره به نقش تغذیه در سلامت قلب گفت: رژیم غذایی می‌تواند بر عواملی مانند فشارخون و وزن اثر بگذارد و به همین دلیل توجه به نوع و میزان مواد غذایی مصرفی اهمیت زیادی دارد.

وی گفت: کاهش مصرف نمک، پرهیز از غذاهای پرچرب و شور و کنترل مصرف مواد غذایی پرانرژی و شیرین از جمله توصیه‌هایی است که باید در سبک زندگی مورد توجه قرار گیرد.

اخباری ادامه داد: در کنار تغذیه مناسب، کم‌تحرکی نیز یکی از مشکلات مهم جوامع امروزی است و افزایش فعالیت بدنی می‌تواند در حفظ سلامت قلب و کنترل بسیاری از عوامل خطر بیماری‌های قلبی و عروقی موثر باشد.

وی با تاکید بر اهمیت فعالیت بدنی منظم گفت: برای بهره‌مندی از مزایای فعالیت بدنی لازم نیست فرد ورزشکار حرفه‌ای باشد.

اخباری افزود: توصیه عمومی این است که افراد در طول هفته دست‌کم ۱۵۰ دقیقه فعالیت بدنی با شدت متوسط داشته باشند؛ برای مثال می‌توان این میزان را در پنج روز هفته و هر روز حدود ۳۰ دقیقه انجام داد.

این متخصص قلب و عروق توضیح داد: منظور از شدت متوسط، فعالیتی است که ضربان قلب را افزایش دهد، اما فشار بیش از حد به فرد وارد نکند؛ همچنین نوع و میزان فعالیت بدنی باید با توجه به شرایط جسمی، سن، بیماری‌های زمینه‌ای و وضعیت سلامت هر فرد انتخاب شود.

وی با تاکید بر نقش سلامت روان در کنار تغذیه و فعالیت بدنی گفت: اگر فرد در کنار رعایت اصول تغذیه و ورزش با استرس مزمن و مداوم مواجه باشد، نمی‌توان سلامت را تنها با اصلاح تغذیه و افزایش تحرک تعریف کرد. اخباری افزود: استرس مزمن و تکرارشونده می‌تواند سلامت فرد را تحت تاثیر قرار دهد و به همین دلیل مدیریت آن باید در کنار سایر اقدامات پیشگیرانه مورد توجه باشد.

وی توصیه کرد: افراد تا حد امکان از محیط‌های پراسترس فاصله بگیرند و زمان بیشتری را به فعالیت‌هایی که برای آنان آرامش ایجاد می‌کند اختصاص دهند؛ فعالیت بدنی، ارتباط با دوستان و خانواده، روابط اجتماعی صمیمانه و حضور در محیط‌های آرام می‌تواند در این مسیر مورد توجه قرار گیرد. اخباری در پایان تاکید کرد: مراقبت از قلب مجموعه‌ای از انتخاب‌های روزانه است؛ تغذیه مناسب، فعالیت بدنی منظم، کنترل عوامل خطر، پرهیز از سیگار و توجه به سلامت روان، همگی در مسیر داشتن قلبی سالم‌تر اهمیت دارند.

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
آگاه
روزنامه ۶۵۷

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
مدیرمسئول: محمدمهدی رحمتی
سردبیر: امیر اسماعیلی
دبیر تحریریه: رضا ظریفی
مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست | سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه
مجتبی مشهدی محمد فرهنگ

خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان ابن سینا
۹۲۰۰۴۷۱۶ - ۰۲۱ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳
www.Agaah.ir m@agaah.ir agaah_ir

چهارشنبه

۱۵ مهر ماه ۱۴۰۵

۲۵ ربیع الثانی ۱۴۴۸ | ۷ اکتبر ۲۰۲۶

اذان صبح	۰۴:۳۷
اذان ظهر	۱۱:۵۳
اذان مغرب	۱۸:۰۴
نیمه‌شب‌شرعی	۲۳:۱۱

کاغذک

چینی‌ها از کجا کتاب می‌خرند؟

ارزش بازار کتاب چین در سال گذشته بر مبنای قیمت پشت جلد ۱۱۰ میلیارد یوان (بیش از ۴۰۰۰ همت) بوده است. سهم کانال‌های فروش کتابشان چنین است: شبکه‌های اجتماعی: ۴۱ درصد، فروشگاه‌های اینترنتی: ۳۲ درصد، کتابفروشی‌های فیزیکی: ۱۴ درصد و سایر موارد: ۱۳ درصد.

این ۴۱ درصد از «فروش محتوامحور» می‌آید؛ یعنی خریدی که از ویدئوی کوتاه، پخش زنده و محتوای شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. فقط در دوئین (نسخه چینی تیک‌تاک) روزانه بیش از سه میلیون جلد کتاب فروخته می‌شود. ناشران چینی دارند ایمپرینت‌های خود را تقویت می‌کنند. یعنی یک ناشر، گروه‌های مختلف کتاب‌هایش را با نام و هویت‌های جداگانه به مخاطب معرفی می‌کند و هر ایمپرینت با نام، لوگو، ظاهر، موضوع و سلیقه تحریری مشخص، ماموریت دارد گروهی از مخاطبان را دور مجموعه‌ای از کتاب‌ها جمع کند. این کار کمک می‌کند کسی که در شبکه‌های اجتماعی، میان محتوا و نظرات، از یک کتاب خوشش آمده، کتاب‌های دیگر همان ایمپرینت را هم دنبال کند.

استرس همیشه بد نیست

مقدار کمی از آن چگونه از سلول‌های بدن محافظت می‌کند؟

وقتی از استرس حرف می‌زنیم، معمولا ذهنمان به فشارهای روانی می‌رود؛ اما سلول‌های بدن هم هر روز با نوع دیگری از استرس مواجه‌اند. نور فرابنفش خورشید، آلودگی هوا، الکل و حتی محصولات جانبی برخی داروها می‌توانند به سلول‌ها آسیب برسانند. با این حال، دانشمندان دریافته‌اند که مقدار بسیار محدودی از برخی فشارها گاهی می‌تواند سیستم دفاعی سلول را فعال و آن را برای مقابله با آسیب‌های بعدی آماده‌تر کند. به این پدیده «هورمسیس» گفته می‌شود؛ یعنی شرایطی که مقدار کم یک عامل استرس‌زا واکنش محافظتی بدن را تحریک می‌کند، در حالی که مقدار زیاد همان عامل می‌تواند آسیب‌زا باشد.

سلول‌ها چگونه از خودشان دفاع می‌کنند؟

سلول‌های بدن سیستم‌های دفاعی مختلفی دارند که خطر را تشخیص می‌دهند و فعالیت ژن‌های محافظ را تغییر می‌دهند. یکی از شناخته‌شده‌ترین آنها پروتئینی به نام NRF۲ است که می‌توان آن را به یک «کلید دفاعی» تشبیه کرد. فعال شدن این پروتئین صدها ژن محافظ را تحت تاثیر قرار می‌دهد و به سلول درکاهش آسیب و دفع برخی مواد مضر کمک می‌کند. برخی سیستم‌های دیگر نیز پروتئین‌های آسیب‌دیده را جمع‌آوری و بازیافت می‌کنند، به ترمیم DNA کمک می‌کنند یا برای صرفه‌جویی در انرژی، سرعت تقسیم سلولی را کاهش می‌دهند. ورزش نمونه‌ای آشنا از همین اصل است. فشار موقت وارد شده به عضلات و سپس استراحت و تکرار تمرین، بدن را وادار به سازگاری می‌کند. در نتیجه عضلات برای مواجهه با فشارهای بعدی آماده‌تر می‌شوند.

کلم بروکلی چه ارتباطی با دفاع سلولی دارد؟

پژوهشگران احتمال می‌دهند بخشی از ترکیبات موجود در گیاهان نیز بتوانند واکنش‌های مشابهی ایجاد کنند. برای نمونه، هنگام خرد کردن یا جویدن کلم بروکلی و سایر سبزیجات خانواده کلم، ماده‌ای به نام سولفورافان تولید می‌شود. این نکته مهم است، زیرا فواید میوه‌ها و سبزیجات را نمی‌توان تنها به «استرس دادن به سلول‌ها» نسبت داد. این مواد غذایی علاوه بر ترکیبات گیاهی مختلف، منابع مهم فیبر، ویتامین‌ها و مواد معدنی نیز هستند.

«استرس مفید» مجوز آسیب زدن به بدن نیست

دانشمندان اکنون حتی در حال بررسی داروهایی هستند که بتوانند سیستم‌های دفاعی سلول را به شکل کنترل شده فعال کنند. یکی از نمونه‌ها داروی «اوماولوکسولون» است که NRF۲ را فعال می‌کند و برای درمان یک بیماری ارثی نادر عصبی به نام آتاکسی فریدریش مورد استفاده قرار گرفته است.

اما مفهوم هورمسیس یک برداشت خطرناک هم می‌تواند ایجاد کند: اینکه اگر مقدار کمی استرس مفید است، پس قرارگرفتن در معرض عوامل آسیب‌زا نیز می‌تواند به نفع بدن باشد. چنین نتیجه‌ای درست نیست. نوع عامل استرس‌زا، شدت و مدت مواجهه تعیین می‌کند سلول سازگار شود یا آسیب ببیند. آنچه دانشمندان اکنون به دنبال آن هستند، شناخت دقیق همین مرز است؛ مرزی که شاید در آینده بتوان از آن برای طراحی درمان‌های تازه استفاده کرد.

منبع: theconversation

آب و هوا

هشدار نارنجی سیلاب و طغیان رودخانه‌ها در برخی استان‌ها

سازمان هواشناسی نسبت به وقوع سیلاب و طغیان رودخانه‌ها در برخی استان‌ها طی امروز هشدار نارنجی صادر کرد.

بررسی آخرین خروجی مدل‌های هواشناسی نشان می‌دهد با ورود یک موج بارشی جدید از سمت غرب و شمال غرب، شرایط جوی کشور از امروز چهارشنبه در بخش‌هایی از غرب، شمال غرب، دامنه‌های زاگرس و سواحل دریای خزر فعال خواهد بود و به‌تدریج مناطق بیشتری را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

در آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی و اردبیل با ورود موج جدید، افزایش ابر، رگبار باران، رعدوبرق و وزش باد پیش بینی می‌شود. فعالیت سامانه در برخی مناطق شمال غرب می‌تواند مقطعی و رگباری باشد و در نقاط مستعد، احتمال تشدید بارش وجود دارد.

در کردستان فعالیت سامانه بارشی تشدید می‌شود و بارش‌های رگباری، رعدوبرق، وزش باد شدید و احتمال تگرگ تا اواخر وقت چهارشنبه (امروز) ادامه خواهد داشت. در مناطق مستعد، آبگرفتگی معابر و بالا آمدن آب رودخانه‌ها دور از انتظار نیست.

البرز و تهران نیز در مسیر این موج بارشی قرار دارند. برای ارتفاعات البرز احتمال رگبار و رعدوبرق وجود دارد و مدل‌های پیش بینی نیز افزایش ناپایداری را در ساعات بعدازظهر و عصر نشان می‌دهند، همچنین در تهران نیز احتمال رگبار و رعدوبرق طی ساعات بعدازظهر و عصر وجود دارد.



بدرقه کاروان اعزامی به بازی‌های پاراآسیایی ناگویا

مراسم بدرقه کاروان اعزامی ایران به بازی‌های پاراآسیایی ناگویا، دوشنبه ۱۳ مهر ۱۴۰۵ در میدان انقلاب تهران و با حضور مردم برگزار شد.

عکس: علیرضا معصومی / ایسنا

راه‌اندازی اولین سیستم تجویز خودکار داروی جهان بدون نیاز به پزشک

ایالت یوتا در ایالات متحده آمریکا اولین سیستم تجویز خودکار داروی جهان را بدون نیاز به حضور پزشکان انسانی راه‌اندازی می‌کند.

ایالت یوتا به یک سیستم مراقبت‌های بهداشتی اجازه داده است تا بدون تایید پزشک برای هر نسخه، تجویز اولیه داروی آکنه را آغاز کند. این یک آزمایش مهم برای تصمیم‌گیری پزشکی خودکار در ایالات متحده است. این سیستم که توسط شرکت فناوری سلامت «نولا هلث» مستقر در نیویورک توسعه داده شده است، از اطلاعات بیمار و اسکن صورت برای انتخاب درمان از بین مجموعه‌ای محدود از گزینه‌های تایید شده توسط پزشکان استفاده می‌کند.

به گفته این شرکت، این سیستم نمی‌تواند چارچوب‌های درمانی خود را ایجاد کند و وقتی نمی‌تواند با اطمینان درمانی را انتخاب کند، باید پرونده را به یک پزشک دارای مجوز ارجاع دهد. این سیستم به تدریج معرفی خواهد شد. یک پزشک هر نسخه را برای ۱۰۰ بیمار اول تایید خواهد کرد. در مرحله بعدی که ۵۰۰ بیمار اول را پوشش می‌دهد، سیستم به صورت خودکار نسخه‌ها را صادر می‌کند، در حالی که یک پزشک هر روز آنها را بررسی می‌کند. سرانجام در مرحله سوم، پزشکان به صورت گذشته نگر یک بار در هفته نمونه‌ای از نسخه‌ها را بررسی می‌کنند.

این طرح آزمایشی از طریق اپلیکیشن «Nolla Derm» برای ساکنان ۱۸ سال به بالای ایالت یوتا در دسترس است. بیماران قبل از اینکه سیستم، پوست آنها را ارزیابی کرده و درمان آکنه را انتخاب کند، یک پرسشنامه ۱۰ تا ۱۵ دقیقه‌ای و یک اسکن صورت را تکمیل می‌کنند. شرکت «نولا هلث» می‌گوید این فرآیند می‌تواند در عرض چند دقیقه یک برنامه درمانی و نسخه تجویز کند.

سبک زندگی

پنج وسیله که هرگز نباید داخل مایکروویو بگذارید

خطر آتش‌سوزی در کمین است!

فلز، یونولیت، برخی پلاستیک‌های یک‌بارمصرف و کیسه‌های کاغذی می‌توانند در مایکروویو خطر آتش‌سوزی یا آزاد شدن مواد ناخواسته ایجاد کنند؛ ظرف‌های کاملا دربسته نیز ممکن است بر اثر افزایش فشار منفجر شوند.

وبگاه ایتینگ ول در گزارشی آورده است: از دهه ۱۹۷۰ میلادی، مایکروویو یکی از وسایل پرکاربرد آشپزخانه بوده است؛ این دستگاه با امواج رادیویی کوتاه غذا را به سرعت گرم می‌کند و کارهایی مثل بخارپز کردن سبزیجات یا گرم کردن غذاهای باقی‌مانده را آسان می‌سازد.

با توجه به اینکه عده زیادی از مردم از مایکروویو استفاده می‌کنند، استفاده ایمن از آن اهمیت دارد. قرار دادن وسیله نادرست داخل مایکروویو می‌تواند خطری جدی برای سلامت ایجاد کند یا آتش‌سوزی به‌راه بیندازد. در ادامه، متخصصان ایمنی غذا درباره وسایلی می‌گویند که همیشه باید از مایکروویو دور نگه داریم.

۱.ظرف‌ها یا وسایل فلزی

زاکاری کارترایت، دانشمند علوم غذایی، هشدار می‌دهد: هرگز وسایل فلزی را در مایکروویو قرار ندهید. فلزات (مانند فویل، قاشق و چنگال و لیوان‌های مسافرتی) باعث ایجاد جرقه و خطر آتش‌سوزی می‌شود. جرقه زمانی رخ می‌دهد که فلز با الکتریسیته‌ای که مایکروویو تولید می‌کند واکنش نشان دهد. این جرقه‌ها گرمای شدیدی ایجاد می‌کنند که می‌تواند به دستگاه آسیب بزند یا حتی آتش‌سوزی ایجاد کند.

این جرقه ممکن است وقتی رخ دهد که به طور تصادفی یک وسیله فلزی در مایکروویو بگذارید یا غذایی را روی بشقابی با لبه فلزی گرم کنید. برای کاهش خطر، غذا را پیش از گرم کردن به بشقاب، کاسه یا ظرف مناسب مایکروویو مثل شیشه یا سرامیک منتقل کنید. کارترایت می‌گوید: اگر شک داشتید که می‌توان یک وسیله را در مایکروویو قرار داد یا خیر، دستور سازنده درباره ظرف‌ها و وسایل پخت را دنبال کنید.

۲.پلاستیک‌های یک‌بارمصرف

برخی پلاستیک‌ها برای قرارگرفتن در مایکروویو ایمن هستند و سازنده باید این نکته را به صورت واضح روی محصول درج کند؛ اما پلاستیک‌های یک‌بارمصرف، مثل ظرف ماست، کیسه ساندویچ و ظرف غذاهای بیرون‌بر، هرگز نباید در مایکروویو گذاشته شوند. این مواد ممکن است تاب بردارند یا ذوب شوند و مواد شیمیایی مضری در غذا آزاد کنند. اد مک‌کورمیک، مشاور علوم غذایی می‌گوید: این پلاستیک‌ها در برابر گرما مقاوم نیستند. در دماهای بالا، فتالات‌ها (نوعی ماده شیمیایی در پلاستیک) می‌توانند به غذاهای چرب نفوذ کنند.

۳.کیسه‌های کاغذی

برخی کاغذها مثل کاغذ روغنی، کاغذ مومی و حتی دستمال کاغذی سفید برای مایکروویو ایمن هستند؛ اما برخی دیگر این‌طور نیستند. کیسه‌های کاغذی قهوه‌ای و روزنامه هرگز نباید در مایکروویو قرار داده شوند. مک‌کورمیک اشاره می‌کند که ناخالصی‌ها یا مواد بازیافتی در این کاغذها می‌توانند بخارهای مضر منتشر کنند یا حتی در دماهای بالا آتش بگیرند.

اگر می‌خواهید غذای بیرون‌بر را دوباره گرم کنید، اول کاغذ یا بسته‌بندی آن را دور بریزید و غذا را به ظرفی منتقل کنید که برای مایکروویو مناسب باشد. بعد برای اینکه غذا داخل مایکروویو نپاشد، روی آن را با کاغذ مومی، کاغذ روغنی، درپوش مایکروویو یا یک بشقاب سرامیکی مقاوم بپوشانید.

۴.یونولیت (فوم پلی‌استایرن)

اگر غذای باقی‌مانده رستوران را در ظرف فوم پلاستیکی (معروف به یونولیت) به خانه آوردید، حتما پیش از گرم کردن در مایکروویو، غذا را از ظرف بیرون بیاورید. کارترایت می‌گوید: یونولیت می‌تواند ذوب شود و ترکیبات مضر آزاد کند. به‌جای آن، از ظرف شیشه‌ای یا سرامیکی مناسب مایکروویو استفاده کنید و غذا را از بسته مشکوک خارج کنید. همین موضوع درباره لیوان‌های فومی نوشیدنی هم صدق می‌کند؛ قهوه سرد را پیش از گرم کردن در لیوان مناسب مایکروویو بریزید.

۵.ظرف‌های دربسته

حتی ظرف‌های مناسب مایکروویو هم اگر کاملا دربسته باشند می‌توانند خطرناک باشند. کارترایت توضیح می‌دهد که شیشه‌ها یا دیگر ظرف‌های دربسته ممکن است هنگام گرم شدن و افزایش فشار منفجر شوند. برای ایمنی، در غذا را کمی باز بگذارید تا بخار خارج شود و فشار داخل آن کاهش یابد.

برای جلوگیری از انفجار، هرگز ظرف دربسته را در مایکروویو نگذارید. به جای آن، روی غذا را با کاغذ مومی، کاغذ روغنی، بشقاب سرامیکی یا پوشش پلاستیکی سوراخ شده بپوشانید؛ این کار باعث می‌شود بخار خارج شود. این احتیاط‌های ساده هم غذا و هم مایکروویو شما را ایمن نگه می‌دارند.



چرا گوش‌تان می‌خارد؟ پنج دلیل شایع که باید بدانید

خارش گوش معمولا مشکل جدی نیست، اما می‌تواند از خشکی و تحریک پوست تا تجمع جرم، آلرژی یا عفونت ناشی شود و در صورت تداوم یا همراهی با درد، ترشح و کاهش شنوایی نیاز به بررسی پزشکی دارد. خارش گوش یکی از مشکلات شایعی است که در بیشتر موارد علت جدی ندارد، اما گاهی می‌تواند نشانه تحریک پوست، تجمع جرم گوش، واکنش آلرژیک یا عفونت باشد.

- **عفونت گوش:** عفونت گوش خارجی یکی از دلایل مهم خارش گوش است. باقی ماندن آب در کانال گوش، به‌ویژه بعد از شنا یا حمام، می‌تواند محیط مناسبی برای رشد باکتری‌ها ایجاد کند. در این شرایط خارش ممکن است با علائمی مانند درد، قرمزی، تورم یا ترشح از گوش همراه باشد.
- **خشکی و تحریک پوست:** تمیز کردن بیش از حد گوش می‌تواند چربی و جرم طبیعی را که از پوست کانال گوش محافظت می‌کنند، از بین ببرد و باعث خشکی و خارش شود. برخی بیماری‌های پوستی مانند اگزما، درماتیت و پسوریازیس نیز می‌توانند پوست اطراف یا داخل گوش را درگیر کنند.
- **تجمع جرم گوش:** جرم گوش به طور طبیعی از کانال گوش خارج می‌شود، اما گاهی تجمع آن می‌تواند باعث خارش، احساس گرفتگی یا کاهش شنوایی شود. استفاده از گوش پاک‌کن نیز ممکن است جرم را به قسمت‌های عمیق‌تر کانال گوش براند و حتی به پوست یا پرده گوش آسیب بزند.
- **آلرژی:** واکنش‌های آلرژیک نیز می‌توانند یکی از دلایل خارش گوش باشند. این واکنش ممکن است در اثر مواد حساسیت‌زا در محیط، محصولات پوستی یا موادی که با گوش تماس دارند ایجاد شود. در افراد مبتلا به رینیت آلرژیک نیز خارش گوش ممکن است همراه با عطسه، آبریزش یا گرفتگی بینی و خارش چشم دیده شود.
- **هدفون و وسایل کمک‌شنوایی:** تماس طولانی مدت پوست با برخی مواد موجود در وسایل کمک‌شنوایی یا هدفون، همچنین تعریق و تجمع رطوبت، می‌تواند باعث تحریک پوست و خارش شود. تمیز نگه داشتن این وسایل و اطمینان از اندازه و تناسب مناسب آنها می‌تواند به کاهش این مشکل کمک کند.

با گوش پاک‌کن چه کنیم؟

یکی از مهم‌ترین راه‌های پیشگیری از تحریک و آسیب گوش، وارد نکردن گوش پاک‌کن یا اشیای دیگر به داخل کانال گوش است. گوش معمولا توانایی پاکسازی طبیعی خود را دارد و برای تمیز کردن بخش بیرونی آن، استفاده از یک پارچه تمیز کافی است.

چه زمانی باید به پزشک مراجعه کرد؟

اگر خارش گوش ادامه‌دار باشد یا با علائمی مانند درد، ترشح، بوی نامطبوع، تورم، تب یا کاهش شنوایی همراه شود، بهتر است گوش توسط پزشک معاینه شود. کاهش ناگهانی شنوایی نیز نیازمند ارزیابی سریع پزشکی است. همچنین نباید بدون مشخص شدن علت خارش، قطره یا روغن داخل گوش ریخت؛ به‌ویژه در شرایطی که احتمال سوراخ بودن پرده گوش، وجود لوله تهویه یا عفونت وجود دارد. برخی قطره‌ها در این شرایط می‌توانند نامناسب باشند. برای کاهش احتمال خارش و عفونت گوش، بهتر است گوش را خشک نگه دارید، از وارد کردن گوش پاک‌کن و سایر اشیا به داخل کانال گوش خودداری کنید و در صورت تکرار یا تداوم مشکل، برای مشخص شدن علت زمینه‌ای به پزشک مراجعه کنید.

خستگی بعد از ورزش طبیعی است؟

علت‌ها و راه‌های بهبودی بهتر

احساس خستگی، سنگینی پاها یا کاهش انرژی بعد از یک تمرین سخت برای بسیاری از افراد آشناست. مقداری خستگی بعد از ورزش طبیعی است، اما شدت آن به نوع تمرین، مدت و شدت فعالیت و میزان آمادگی بدن بستگی دارد. خوشبختانه تغذیه، آب کافی، خواب و استراحت می‌توانند به ریکاوری بهتر کمک کنند. خستگی ورزشی فقط به معنای احساس خواب‌آلودگی یا بی‌حالی نیست. دانشمندان میان «احساس خستگی» و افت واقعی عملکرد عضلات تفاوت قائل می‌شوند. ممکن است فرد احساس کند کاملا خسته شده، در حالی که عضلات هنوز توانایی انجام فعالیت دارند یا برعکس. این وضعیت همچنین با «درد عضلانی تاخیری» یا DOMS تفاوت دارد؛ همان درد و خشکی عضلاتی که معمولا پس از تمرین‌های جدید یا ناآشنا ایجاد می‌شود.

چرا بعد از ورزش خسته می‌شویم؟

یک علت واحد وجود ندارد. هنگام ورزش، تغییراتی در مواد و یون‌های مورد نیاز برای انقباض عضلات رخ می‌دهد و این مسئله می‌تواند به طور موقت توانایی عضله برای تولید نیرو را کاهش دهد. سیستم عصبی نیز نقش دارد. مغز و نخاع فرمان انقباض را به عضلات می‌فرستند و تمرین شدید می‌تواند برای مدتی توانایی سیستم عصبی برای فعال کردن کامل عضلات را کاهش دهد. از سوی دیگر، عضلات برای تامین انرژی از ذخایر کربوهیدرات خود استفاده می‌کنند. تمرین طولانی یا سنگین این ذخایر را کاهش می‌دهد. تعریق نیز باعث از دست رفتن آب و الکترولیت‌هایی مانند سدیم می‌شود و اگر این مایعات جایگزین نشوند، فعالیت بدنی دشوارتر احساس خواهد شد.

برای ریکاوری بعد از ورزش چه بخوریم؟

پس از تمرین طولانی یا سنگین، مصرف کربوهیدرات به جایگزین شدن ذخایر انرژی عضلات کمک می‌کند. پروتئین نیز اسیدهای آمینه لازم برای ترمیم و سازگاری بدن با تمرین را فراهم می‌کند؛ هرچند مکمل‌های پروتئینی درمان فوری خستگی و درد عضلات نیستند. جبران مایعات نیز اهمیت دارد. برای بیشتر تمرین‌های کوتاه، آب کافی است؛ اما پس از ورزش طولانی و شدید یا تعریق زیاد، به‌ویژه در هوای گرم، ممکن است جایگزینی الکترولیت‌ها نیز مفید باشد. خواب کافی یکی دیگر از پایه‌های ریکاوری است. برخی مطالعات روی ورزشکاران نشان داده‌اند افزایش مدت خواب شبانه یا چرت زدن می‌تواند بعضی جنبه‌های عملکرد جسمی و ذهنی را بهبود دهد. پیاده‌روی آرام، یوگا، ماساژ و غوطه‌وری در آب نیز به عنوان روش‌های ریکاوری بررسی شده‌اند. در یک مرور شامل ۹۹ مطالعه، چند روش توانستند درد عضلانی را کاهش دهند و ماساژ یکی از قوی‌ترین اثرها را بر احساس خستگی نشان داد.

آیا می‌توان از خستگی بعد از ورزش جلوگیری کرد؟

نمی‌توان خستگی را کاملا حذف کرد و اساسا مقداری از آن پس از تمرین طبیعی است. با این حال، افزایش تدریجی شدت و حجم ورزش به بدن فرصت سازگاری می‌دهد. به همین دلیل حتی افراد باتجربه نیز اگر ناگهان تمرینی جدید و سنگین انجام دهند، ممکن است خستگی و درد بیشتری تجربه کنند. آب کافی پیش از ورزش، دریافت انرژی متناسب با میزان فعالیت و فاصله مناسب میان تمرین‌های سنگین نیز به ریکاوری کمک می‌کند. نکته مهم این است که خستگی شدیدتر به معنای تمرین بهتر نیست. خستگی باید با شدت فعالیت تناسب داشته باشد و با استراحت و ریکاوری بهتر شود. اگر خستگی پس از ورزش غیرعادی و شدید است، با استراحت برطرف نمی‌شود یا با علائمی مانند درد قفسه سینه، غش یا تنگی نفس غیرمعمول همراه است، مراجعه به پزشک ضروری است.

منبع: theconversation

#تجربه_کردم

رفیق جان!...

وقتی دخترپا پسر جوونت، هزار جور گرفت و گیر عصبی و دینی داره. به خیال درست شدن اون گرفتاری‌ها. نفرستش که همسر کسی بشه!

اون بدبخت که مقابل‌شه، یا ازش بدتره (که واویلا به آینده‌شون)!...

یا ساق و سالمه... که بچه تو با امراضش بدبختش می‌کنه.

اول فرزندت رو درمان و. ببخشید!. «آدم»ش کن!...

پخته‌ش کن!...

بعد بفرست که همسر کسی بشه.

سیدمحمد سادات‌اخوی / نشر پرنده